



فصلنامه علمی پژوهشی فلسفه و الهیات
سال نوزدهم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۳

Naqd va Nazar

The Quarterly Journal of Philosophy & Theology
Vol. 19, No. 2, summer, 2014

تمدن نوین اسلامی در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای

(چیستی و چگونگی تکامل تمدنی جمهوری اسلامی ایران)

محمدرضا بهمنی*

چکیده

بسیاری از اندیشمندان و شخصیت‌های علمی و فکری جهان، بر این عقیده‌اند که رهبری معظم انقلاب اسلامی، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، پیش از آنکه رهبر سیاسی یک کشور اسلامی باشد، یک شخصیت علمی برجسته در جهان اسلام و عرصه بین‌الملل است. در میان موضوعات و مسائل فکری جمهوری اسلامی ایران و فراتر از آن مسائل جهان اسلام، اندیشه‌ها و دیدگاه‌های ایشان در موضوع تمدن نوین اسلامی، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. در این مقاله کوشیده‌ایم با استناد به بیانات و سخنرانی‌های ایشان در دوره زمانی سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۹۴ و با بهره‌گیری از روش مفهوم‌سازی بنیادی، «هندسه کلان اندیشه تمدنی» ایشان را استخراج و توصیف کنیم. اگرچه بی‌تردید هر کدام از مقوله‌های مفهومی اشاره شده در این نوشتار به تنهایی ظرفیت بررسی‌ها و نگارش‌های جداگانه دارند، این مقاله بر ساختار کلی و رئوس اصلی تشکیل‌دهنده اندیشه تمدنی آیت‌الله خامنه‌ای متمرکز شده است. از این‌رو، سه بخش اصلی مقاله عبارتند از: (۱) بررسی امکان یا امتناع تمدن نوین اسلامی؛ (۲) مفهوم‌شناسی (چیستی) تمدن نوین اسلامی؛ (۳) ایجاد و تکوین تمدن نوین اسلامی. در بخش سوم که به چگونگی رسیدن به تمدن اسلامی می‌پردازد، مقوله‌های زیر

۱۹۸



فصلنامه
فلسفه و الهیات

سال نوزدهم، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۳

بررسی شده‌اند: الف) پیش‌نیازهای شکل‌گیری تمدن اسلامی؛ ب) مراحل تکوین تمدن اسلامی؛ ج) الزامات رسیدن به تمدن اسلامی. گفتنی است به‌دلیل ویژگی عینیت‌گرایانه اندیشه تمدنی آیت‌الله خامنه‌ای، مباحث این مقاله، ماهیت انضمامی ناظر به حرکت تمدنی جمهوری اسلامی ایران را نیز دارد.

کلیدواژه‌ها

مطالعات تمدنی، آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای، اندیشه تمدنی، جمهوری اسلامی ایران.

مقدمه

در تحلیل جریان‌های فکری ایران معاصر، در کنار دو جریان سنت‌گرا و تجددگرا، از جریان دیگری نام برده می‌شود که در نسبت‌سنجی میان دین و زندگی تمدن‌نگر و پیشرفت‌گرا بوده و بر این باور است که دین، توان پاسخ‌گویی به نیازهای زندگی هر عصر را دارد و یافتن این پاسخ‌ها از متون دینی و با نوآوری‌های پیوسته در شیوه‌های استنباط از دین ممکن است (نک: بهمنی، ۱۳۹۲). به عبارت دقیق‌تر، از منظر این جریان فکری، در مسیر توسعه و تکامل اجتماعی، ابعاد مادی و معنوی زندگی انسان قابل تفکیک نیست، بلکه باید با «نگاه منظومه‌ای به دین»، در پی استخراج پاسخ دین به نیازهای هر عصر و نسل بود. افزون بر اینکه تحقق مبانی و معارف اسلامی در جامعه، مستلزم «الگوسازی مبتنی بر دین» و کارشناسی علمی است. روشن است که چنین نگاهی به نسبت میان دین و زندگی، از یک سو متفاوت و متمایز از نگاه فردگرایانه، گذشته‌نگر و شریعت‌گرا به دین است و از سوی دیگر، با دل‌بستگی به تجدد و مدرنیته غربی در عصر حاضر مغایر است، بلکه نشان از دیدگاهی دارد که می‌توان آن را «اندیشه تمدن‌نویین اسلامی» دانست.

این جریان فکری که می‌توان خاستگاه آن را در حدود دهه‌های چهل و پنجاه دانست، با شخصیت‌هایی معرفی می‌شود که در واقع رهبران و عناصر اصلی انقلاب اسلامی ایران هستند. امام خمینی؛ بنیان‌گذار انقلاب، آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب، شهید بهشتی؛ و شهید مطهری؛ از جمله این شخصیت‌های فکری هستند. با این توصیف، نگارنده معتقد است الگوسازی برای حرکت تکاملی جمهوری اسلامی ایران در گرو مفهوم‌سازی و نظریه‌پردازی در مقیاس تمدنی است و در این رهگذر، شناخت و بازخوانی اندیشه شخصیت‌های دیروز و امروز این جریان انقلابی، بسیار ضروری و راه‌گشا است. در





همین راستا، اندیشه‌های تمدنی آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای^۱ نقش بسیار پررنگی دارد. شکل‌گیری و تطور یک اندیشه و نظریه، متأثر از زمینه‌های فردی و اجتماعی است. این مقاله براساس سخنرانی‌ها و بیانات ایشان در دوره رهبری تدوین شده است، هرچند اندیشه‌های تمدنی ایشان در یک بستر شخصیتی، علمی و اجتماعی پیشینی تری شکل گرفته و تکامل یافته است. «عوامل فردی تکوین یک نظریه به زمینه‌های شخصیتی نظریه‌پرداز باز می‌گردد. نبوغ، انگیزه‌های شخصی، زمینه‌های خانوادگی و تجربیات زیستی، از جمله عوامل فردی است» (پارسایان، ۱۳۹۲: ش ۲۳). همچنین شرایط اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی نیز از عوامل زمینه‌ای و اجتماعی هستند که در شناخت و تبیین یک اندیشه قابل توجه‌اند. در این مقدمه کوتاه، مجال ورود تفصیلی به زمینه‌ها و عوامل متنوع فردی و اجتماعی شکل‌گیری اندیشه تمدنی مقام معظم رهبری نیست و تنها به مواردی از ویژگی‌های شخصیتی (حقیقی و حقوقی) ایشان اشاره می‌شود که مؤید این مطلب است که دیدگاه‌های تمدنی ایشان در تلاقی و توأمانی حضور و توانمندی ایشان در صحنه عمل و نظر تطور یافته و مطرح شده است. از این‌رو، تنها از همین منظر به برخی زمینه‌ها و ویژگی‌های شخصیتی ایشان نگاهی می‌افکنیم:

۱. فقاہت و اجتهاد: آیت‌الله خامنه‌ای واجد مقام فقاہت، اجتهاد و قدرت استنباط شرعی (مشکینی، ۱۳۷۳: مجله حضور، ش ۹) هستند. ایشان هم مجتهدی مسلم،^۲ عادل و جامع‌الشرایط و هم فقیهی دانشمند هستند که با زبان عصر حاضر قدرت شناخت متون دینی را دارند.

۲. رویکردهای فلسفی و حکمی: آیت‌الله خامنه‌ای فلسفه و حکمت را در تضاد با فقه و اجتهاد نمی‌داند. ایشان اعتقاد دارد که «فلسفه برای نزدیک شدن به خدا و پیدا کردن یک معرفت درست از حقایق عالم وجود است... و به یک معنا ما باید حکمت را که شامل همه اینها (فلسفه، عرفان، منطق و...) می‌شود، مورد توجه قرار دهیم و دنبال کنیم» (خامنه‌ای، ۱۳۸۹/۱۰/۲۹).

۱. شخصیت علمی، فکری و اندیشه‌ای مقام معظم رهبری چنان وزانت و اعتباری دارد که شایسته است در مباحث علمی به جای عنوان جایگاه «رهبری» از عنوان حقیقی ایشان استفاده شود تا گمان سیاسی‌بودن مباحث در حاشیه قرار گیرد.
 ۲. حضرت امام بارها از جناب‌عالی (آیت‌الله خامنه‌ای) به‌عنوان مجتهدی مسلم و بهترین فرد برای رهبری نام بردند» (از سخنان سید احمد آقا خمینی، به‌نقل از: روزنامه رسالت ۶۸/۳/۱۶).

۳. مناصب حکومتی و اجتماعی: ابعاد علمی و نظری شخصیت آیت‌الله خامنه‌ای مانع از حضور فعال او در عرصه عمل (از جمله نمایندگی مجلس، ریاست جمهوری و هم‌اکنون نیز در موقعیت رهبری نظام) نشده است و چه بسا این حضور در عرصه عمل، عامل اتقان اندیشه‌ای ایشان نیز شده است.

۴. توان شناخت محیطی و میدانی: رهبری آیت‌الله خامنه‌ای در بیش از دو دهه گذشته نشان می‌دهد که ایشان با شناخت دقیق دشمنان و مواضع آنها در سال‌های پس از انقلاب، هوشیاری در مقابل جریان‌های داخلی وابسته به بیگانگان و نیز قدرت‌های استکباری، آشنایی با مسائل داخلی و بین‌المللی در عین ارتباطی صمیمانه با مردم، سکان کشتی انقلاب اسلامی را با وجود بحران‌های تند سیاسی در منطقه و جهان، به سلامت به ساحل نجات رهنمون کرده‌اند.

با این توصیف، آنچه در این مقاله ارائه و توصیف خواهد شد، با لحاظ ویژگی‌های یادشده است که به طبع این ویژگی‌ها در شکل‌گیری اندیشه ایشان مؤثر بوده است.

۱. امکان یا امتناع تمدن نوین اسلامی در بازخوانی تجربه‌های تمدنی

پیشینه‌شناسی در مسائل اجتماعی، امری مقبول و مرسوم و گاه دارای اهمیت است. موضوع «تمدن نوین اسلامی» که برخی نفس ورود در آن را بر نمی‌تابند، از جمله موضوعاتی است که نگاه به زمینه‌ها و پیشینه‌های تاریخی آن ضروری و راه‌گشاست. به نظر می‌رسد بر همین اساس، از نخستین^۱ طرح بحث‌های آیت‌الله خامنه‌ای در موضوع تمدن، نگاه به پیشینه تاریخی در این زمینه است. ایشان سه تجربه تمدنی شامل تجربه تمدنی عصر نبوی، تجربه تمدنی غرب (در موضع نقد و تمایزشناسی) و تجربه جمهوری اسلامی ایران را مورد توجه قرار داده‌اند. تحلیل تاریخی اندیشه تمدنی ایشان حائز این ویژگی‌هاست:

الف) ایشان جریان تمدنی اسلام را از عصر نبوی آغاز و آن را به تجربه تمدنی جمهوری اسلامی ایران متصل کرده‌اند.

ب) در تجربه تمدنی صدر اسلام، به نقش نبی مکرم اسلام ۹ در تأسیس تمدن اسلامی، درخشش تمدنی اسلام در قرن سوم و چهارم هجری و نیز به نقش جانشینان

۱. در بازه زمانی مورد توجه این مقاله که ناظر به گفت‌وگوها و مباحث دوران رهبری ایشان است.





پیامبر ۹ با تأکید ویژه بر نقل و فعل امامان معصوم ۷ اشاره می‌نمایند.

ج) در کنار بازخوانی تجربه تمدنی صدر اسلام، نگاه نقادانه‌ای نیز به تجربه تمدنی غرب داشته‌اند که البته این نقد، نه یک اظهار نظر سیاسی، بلکه نقد عالمانه و منصفانه است که هم به مشکلات تمدن غرب اشاره دارند و هم به ویژگی‌های قابل بهره‌برداری به‌عنوان یک تجربه بشری توجه کرده‌اند.

د) ایشان تجربه جمهوری اسلامی را در امتداد تمدن اسلامی تحلیل کرده، از همین منظر الزامات حرکت تمدنی آن را مطرح ساخته‌اند.

عصر نبوی، خاستگاه تمدن اسلامی

پیامبر اسلام ۹ را باید بنیان‌گذار تمدن بزرگ اسلامی دانست. «در صدر اسلام، رسول مکرم اسلام ۹ و صحابه و نیز جانشینان بزرگوار ایشان توانستند با اتکای به خدا، یک تمدن عظیم تاریخی را پایه‌گذاری کنند» (خامنه‌ای، ۱۳۶۸/۱۲/۰۳). «نبی مکرم، آن عنصر شایسته‌ای بود که برای یک چنین حرکت عظیمی، برای طول تاریخ بشریت، خداوند او را آماده کرده بود. لذا توانست در طول بیست و سه سال یک جریانی را به راه بیندازد که این جریان با همه موانع، با همه مشکلات، تا امروز تاریخ را جلو رانده و پیش برده است. بیست و سه سال زمان کوتاهی است. سیزده سال از این مدت هم با مبارزاتِ غریبانه گذشت... در همین مدت پیغمبر اکرم توانست این نهال را غرس کند، آبیاری کند، وسیله رشد و نمو آن را فراهم کند؛ یک حرکتی را ایجاد کند که این حرکت یک تمدنی را آفرید و این تمدن بر اوج قله تمدن بشری در دوران مناسب خود قرار گرفت» (خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۰۹/۰۴).

در اینجا به نظر می‌رسد آیت‌الله خامنه‌ای در بازخوانی تجربه تمدنی صدر اسلام، به توأمانی دو عنصر تقدیر الهی (از رهگذر بعثت نبی مکرم اسلام ۹ و نزول وحی به ایشان) و تدبیر بشری توجه کرده‌اند.

درخشش تمدنی سده‌های سوم و چهارم هجری

سده سوم و چهارم هجری به‌عنوان دوره‌ای طلایی در تمدن اسلامی از لحاظ علمی و سیاسی در تاریخ تمدن اسلامی حائز اهمیت فراوان است. «در باره قرن چهارم هجری — که دوران تشعشع علم است — کتاب‌ها نوشته و تحقیق‌ها کرده‌اند. چنان قدرت سیاسی، چنان

قدرت علمی، چنان دنیا آرایی، چنان کشورداری و چنان استخدام تمام نیروهای زنده و سازنده و فعال بشری بر اثر چه چیز به وجود آمد؟ بر اثر تعالیم اسلام» (خامنه‌ای، ۱۳۷۳/۰۶/۲۹). در این دوران، هیچ تمدنی با سابقه‌های مختلف تاریخی توان رقابت با این فرهنگ عظیم را نداشتند: «در قرن سوم و چهارم هجری در همه دنیای آن روز، با سابقه تمدن‌ها، با حکومت‌های مقتدر، با میراث‌های گوناگون تاریخی، هیچ تمدنی به عظمت و رونق تمدن اسلامی مشاهده نشده است؛ این هنر اسلام است» (خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۰۴/۰۹). با این توصیف، بررسی دقیق و تحلیل گرایانه این دوره از تاریخ اسلام در حوزه مطالعات تمدنی (و نه فقط از منظر مطالعات تاریخی صرف) بسیار تعیین کننده خواهد بود، زیرا «پیام پیغمبر اکرم و پیام بعثت در طول سه - چهار قرن توانست آن عظمت را به وجود بیاورد که همه دنیا و همه تمدن‌های امروز مدیون آن تمدن قرن سوم و چهارم هجری مسلمانان است. این یک تجربه است» (خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۰۴/۰۹). به بیان دیگر، باید گفت دیگر تمدن‌های امروزی بشر نیز از تمدن اسلامی در سده‌های سوم و چهارم هجری اثر پذیرفته و به نوعی مدیون تمدن اسلامی هستند.

نقل و فعل ائمه 7 در تمدن سازی اسلامی

بررسی و الگویابی از نقل و فعل امامان معصوم 7 در شکل گیری تمدن اسلامی بسیار اهمیت دارد. آنچه را که در تمدن اسلامی برای تعریف خلیقات فردی، روابط اجتماعی و فعالیت‌های عمومی مورد نیاز است، می‌توان در گفتار و سیره آن بزرگواران یافت و امت اسلام می‌تواند برای تمامی اموری که بنای تمدن اسلامی به آن نیاز دارد، به روایت‌ها و سیره ائمه 7 مراجعه کند. برای مثال، آیت‌الله خامنه‌ای با بررسی یکی از این روایت‌ها به این مطلب اشاره دارند: «روایتی است در تحف‌العقول که وصیت امام صادق 7 است به عبدالله بن جندب... این روایت، پر از حکمت است. واقعاً همه چیزهایی که ما برای خلیقات شخصی مان، معاشرت‌های اجتماعی مان، فعالیت‌های عمومی مان و برای بنای تمدن اسلامی نیاز داریم، در این روایت و نظایرش پیدا می‌شود. این یک نمونه و مثال است؛ از این قبیل نمونه‌ها زیاد است». مراجعه به نقل و فعل امامان معصوم 7 در حوزه مطالعات تمدنی، نیازمند موضوع‌شناسی و روش‌شناسی خاصی است که حوزه دین‌پژوهی باید نسبت به تدارک آن مبادرت ورزد؛ بدین بیان که به هنگام بازخوانی این روایات و سیره ائمه 7



باید در صدد الگوسازی و نظام‌سازی بر مبنای آن ذخائر ارزشمند باشیم که البته کمتر در این زمینه کار شده است.

رشد نامتوازن در تجربه تمدنی غرب

تمدن غرب به‌عنوان یکی از تمدن‌های فعال امروز بشر همواره در معرض نقد و بررسی از نگاه صاحب‌نظران غربی و غیرغربی است. از موضع انتقادی، علم، مادیت و قدرت که از شاخص‌های تمدن غرب است، برای تعالی و پایداری یک تمدن ناکافی است. از منظر آیت‌الله خامنه‌ای، تمدن غرب بدون اخلاق، معنویت و عدالت نمی‌تواند ابدی باشد. به بیان دیگر، آنچه آسیب پایداری و ماندگاری تمدنی است، عدم توازن در مختصات آن است: «تمدن غرب تمدن علم بدون اخلاق، مادیت بدون معنویت و دین و قدرت بدون عدالت است. امروز تمدن غرب حتی در میان اجزای خود، آن وحدت و انسجام و آن یگانگی و صداقت لازم را ندارد. یک نقطه که یک رشد مادی بیشتری کرده است، بنا به طبیعت تمدن مادی، افزون‌طلب است، کلیت‌طلب است، تمامیت‌طلب است و بقیه بخش‌ها را نادیده می‌گیرد. با این همه گرفتاری، با این همه مشکلات، تمدن مادی غرب ادعای ابدیت می‌کند! اما این ادعا، ادعای واهی، غیرعملی و ناکام است» (خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۰۷/۱۴). با این توصیف، می‌توان گفت از نگاه آیت‌الله خامنه‌ای، عدالت از موضوعات کلیدی در فراز و فرود تمدن‌هاست. به بیان دیگر، تحقق بیرونی عدالت، موجب تعالی و ماندگاری تمدن‌هاست و به‌عکس. به‌طبع شاید یکی از مهم‌ترین مظاهر بی‌عدالتی تمدن غرب در نقطه مواجهه غرب با دیگر ملت‌ها و تمدن‌هاست. چنین تمدنی از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای ماندگار نخواهد بود.

روحیه کار و تلاش در تمدن غرب

در یک نقد و بررسی منصفانه نمی‌توان نقاط مثبت تمدن غرب را نادیده انگاشت. یکی از این موارد در بیان آیت‌الله خامنه‌ای، روحیه سخت‌کوشی و عشق به کار در میان جوامع غربی است. «همه دانشمندان معروف غربی که در این چهارصد سال اخیر غرب توانسته‌اند کارهای بزرگی بکنند، با چنین روحیه‌ای توانسته‌اند به این پیشرفت‌های علمی نائل شوند؛ یعنی با روحیه عشق به کاری که می‌خواهند انجام دهند» (خامنه‌ای، ۱۳۷۳/۰۶/۲۹).



تجربه جمهوری اسلامی ایران در امتداد تمدن اسلامی

جمهوری اسلامی ایران زمینه و فرصتی را برای احیا و شکوفایی تمدن اسلامی پدید آورده است. از این منظر، ایجاد و احیای تمدن اسلامی یک امر حاکمیتی است و البته همان گونه که پیش تر اشاره شد، یافتن نسبت این حاکمیت با امت اسلامی مهم و ضروری است. بنابراین، «آرمان نظام جمهوری اسلامی را می‌شود در جمله کوتاه «ایجاد تمدن اسلامی» خلاصه کرد» (خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۰۶/۱۴).

با نگاهی گذرا بر برخی شاخصه‌های تجربه جمهوری اسلامی ایران، می‌توان شواهدی را بر ظرفیت‌های تمدنی این تجربه مطرح ساخت. با دقت در دیدگاه‌های آیت‌الله خامنه‌ای (که در دو بخش بعدی شامل مفهوم‌شناسی و فرایندشناسی حرکت تمدنی ارائه می‌شود)، مشخص خواهد شد که استدلال‌های محکمی بر تمدنی بودن این تجربه وجود دارد.

۱. به لحاظ تاریخی، جمهوری اسلامی، با در اختیار داشتن فراز و نشیب‌هایی همچون جریان مشروطه و پیش‌تر از آن، تجربه حکومت شیعی صفویه را در اختیار دارد. از این رو، خود این تجربه یک بستر تاریخی دست‌کم سیصدساله را در پیشینه خود دارد.

۲. جمهوری اسلامی، از یک مکتب فکری غنی و ارزشمند برخوردار است که انقلاب اسلامی تبلور عینی آن بوده و جمهوری اسلامی در مراحل تکاملی آن انقلاب مکتبی تعریف می‌شود. این مکتب فکری که در دامن مبانی و معارف اسلامی شکل یافته است، خود محصول یک موجودیت نهادی و اصیل دینی با عنوان حوزه‌های علمیه شیعه به‌شمار می‌آید.

۳. جمهوری اسلامی دارای یک ساختار حکومتی درونی مبتنی بر اندیشه ولایت فقیه است که حیات حدود سی و پنج سال را تجربه می‌کند. اگرچه به لحاظ ساختارسازی تمدنی هنوز به دوره بلوغ نرسیده است.

۴. جمهوری اسلامی در هم‌آوردی با تمدن غرب، تجربه قابل ملاحظه و درخور مطالعه‌ای دارد.

۵. پیشرفت‌های علمی و صنعتی ایران در دوره جمهوری اسلامی، به لحاظ روند تاریخی قابل توجه بوده است.





با این توصیف، می‌توان گفت مراد آیت‌الله خامنه‌ای از نوعی تجربه‌نگاری در مباحث تمدنی آن است که بگویند تحلیل این تجربه اسلامی معاصر (مبتنی بر تجربه تمدنی صدر اسلام و تاریخ مسلمانان)، و نیز تحلیل چالش‌های تمدن غرب حکایت از آن دارد که یک ظرفیت بسیار مهم در اختیار امت اسلامی و بلکه بشریت برای دستیابی به یک تمدن نوین اسلامی قرار دارد که باید به آن بها داده شده و به فرایند تکاملی آن اندیشیده شود. در ادامه به مفهوم‌شناسی تمدن نوین اسلامی و سپس فرایند و الزامات حرکت به سوی تمدن نوین اسلامی از منظر آیت‌الله خامنه‌ای می‌پردازیم.

۲. مفهوم‌شناسی تمدن نوین اسلامی

«تمدن نوین اسلامی» تعبیری است که بسیار در سخنان آیت‌الله خامنه‌ای به کار رفته است. برای شناخت مراد ایشان از این ترکیب واژگانی، چند مقوله مفهومی از بیانات ایشان قابل دریافت است. ارکان، اهداف و شاخص‌های تمدن اسلامی از مهم‌ترین مقولات تبیینی در سخنان ایشان می‌باشد. در این میان، اشاره به دو مطلب مهم پیش از ورود به این سه مقوله مفهومی ضروری است و آن اینکه ایشان در اظهاراتشان معنای تمدن را با دو مفهوم زیرساختی همراه ساخته‌اند: نخست، «ارتباط تمدن اسلامی با زندگی انسانی» و دوم «توأمانی تمدن اسلامی و امت اسلامی». علت طرح این دو مبحث، تأکید بر این نکته است که آیت‌الله خامنه‌ای مفهوم‌شناسی تمدن را (که غالباً از جنس مباحث نظری است)، با عرصه عمل و عینیت‌های محیطی گره زده‌اند و این از مهم‌ترین ویژگی‌های دیدگاه‌های تمدنی ایشان است.

نسبت مفهومی «تمدن اسلامی» و «زندگی انسانی»

از منظر آیت‌الله خامنه‌ای، تمدن اسلامی با زندگی انسانی، ارتباط معنایی تنگاتنگی برقرار می‌کند. در این زمینه، تعبیر «زندگی خوب و عزت‌مند» را به کار برده‌اند که چهار ویژگی کلان را برای زندگی انسانی در تمدن اسلامی می‌توان برشمرد: (۱) علو معنوی و مادی؛ (۲) جهت‌مندی؛ (۳) نظم؛ و (۴) سازگاری با طبیعت و محیط. در این زندگی، شرایط به گونه‌ای است که انسان به غایات مطلوب آفرینش دست می‌یابد. در هر یک از این موارد، ایشان به جزئیاتی اشاره دارند که در ادامه می‌آید:

زندگی خوب و زندگی عزت‌مند، محصول فضای تمدن اسلامی است که در سایه رشد

مادی و معنوی برای انسان مهیا می‌شود. چنین فضایی زمینه سیر به غایات مورد نظر خدای متعال را برای انسان فراهم می‌کند: «تمدن اسلامی یعنی آن فضایی که انسان در آن فضا از لحاظ معنوی و از لحاظ مادی (در جای دیگری از تعبیر علو معنوی و مادی استفاده کرده‌اند) (خامنه‌ای، ۱۳۷۳/۰۶/۲۹)) می‌تواند رشد کند و به غایات مطلوبی که خدای متعال او را برای آن غایات خلق کرده است برسد، زندگی خوبی داشته باشد، زندگی عزت‌مندی داشته باشد، انسان عزیز، انسان دارای قدرت، دارای اراده، دارای ابتکار، دارای سازندگی جهان طبیعت» (خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۰۶/۱۴).

ویژگی مهم دیگری که ایشان برای زندگی در فضای تمدن اسلامی برشمرده‌اند، زندگی توأم با نظم است. ایشان این نظم را محصول علم، تجربیات خوب و پیشرفت‌های زندگی دانسته‌اند. البته جهت‌مندی و داشتن جهت درست در زندگی نیز از ویژگی‌های زندگی در تمدن اسلامی از منظر آیت‌الله خامنه‌ای است. به بیان دیگر، نظم زندگی تمدنی اسلامی جهت‌مند است که انسان را متوجه خدای متعال نماید. این معنا در بیان ایشان این‌گونه مطرح است که «تدین و تمدن چرا باید باهم منافاتی داشته باشند؟ تمدن یعنی زندگی توأم با نظم علمی، با تجربیات خوب زندگی، استفاده از پیشرفت‌های زندگی و تدین یعنی جهت درست در زندگی داشتن، جهت عدل، انصاف، صفا، صداقت و رو به طرف خدا، اینها باهم چه منافاتی دارند؟! انسان می‌تواند با این جهت‌گیری، آن‌طور زندگی کند؛ کمالینکه خیلی از دانشمندان و متفکرین ما متدین بودند؛ خیلی از پیشروان همین تمدن کنونی اروپا هم البته عمدتاً در دوره‌های بعدی متدین بودند» (خامنه‌ای، ۱۳۷۶/۱۱/۱۴). ایشان در توصیف زندگی‌ای که تمدن برای انسان رقم می‌زند، شرایط محیطی و جغرافیایی را هم وارد کرده‌اند و بر این اساس، تمدن واقعی برای مردم ایران را تمدن ایرانی برشمرده‌اند. تمدنی که هم با شرایط زندگی در این کشور در هم آمیخته و هم از استعداد ایرانی جوشیده باشد: «تمدن واقعی برای مردم ما تمدن ایرانی است؛ تمدنی است که متعلق به خود ماست؛ از استعدادهای ما جوشیده و با شرایط زندگی ما در هم آمیخته و چفت شده است» (خامنه‌ای، ۱۳۸۰/۰۲/۱۲).

نسبت مفهومی «تمدن اسلامی» و «امت اسلامی»

مفهوم زیرساختی دوم در چپستی تمدن از منظر آیت‌الله خامنه‌ای، ربط معنایی تمدن و امت است. ایشان بارها در بحث درباره تمدن اسلامی، از امت اسلامی یاد کرده‌اند. شاید نکته





قابل توجه در این زمینه این باشد که ایشان ضمن اشاره به تنوع ملیت‌ها و کشورها در درون امت اسلامی، دستیابی به تمدن مطلوب قرآنی را به‌عنوان چشم‌انداز مشترک امت اسلامی در کشورهای مختلف دانسته‌اند: «امت اسلامی با همه ابعاد خود در قالب ملت‌ها و کشورها باید به جایگاه تمدنی مطلوب قرآن دست یابد» (خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۰۲/۰۹). همچنین ایشان در سال‌های اخیر با توجه به جریان بیداری اسلامی، در پیام‌ها و سخنرانی‌های مرتبط با این موضوع، از چنین هدف و چشم‌اندازی برای امت اسلامی یاد کرده‌اند: «هدف نهایی را باید امت واحده اسلامی و ایجاد تمدن اسلامی جدید بر پایه دین و عقلانیت و علم و اخلاق قرار داد» (خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۰۶/۲۶). ایشان در همین زمینه می‌فرماید: «موضوع بیداری اسلامی، امروزه در صدر فهرست مسائل جهان اسلام و امت اسلامی است؛ پدیده شگرفی است که اگر یاذن الله سالم بماند و ادامه یابد، قادر خواهد بود سربر آوردن تمدن اسلامی را در چشم‌اندازی نه‌چندان دور دست، برای امت اسلامی و آن‌گاه برای جهان بشریت رقم زند» (خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۰۲/۰۹).

تأکید بر هم‌نشینی مفهوم امت اسلامی و تمدن اسلامی از منظر ایشان، به لحاظ زمانی، به دوره پس از جریان بیداری اسلامی محدود نمی‌شود و پیش از آن هم بر ضرورت «بازسازی امت قرآن و تمدن نوین اسلامی» تأکید کرده‌اند. از جمله اینکه ایشان در سال ۱۳۸۷ و در پیام خطاب به حجاج آورده‌اند: «من با اطمینان کامل می‌گویم: این هنوز آغاز کار است و تحقق کامل وعده الهی، یعنی پیروزی حق بر باطل و بازسازی امت قرآن و تمدن نوین اسلامی در راه است» (خامنه‌ای، ۱۳۸۷/۰۹/۱۷). بنابراین، از نظر ایشان، «در دنیای اسلام، نگاه جمهوری اسلامی نگاه امت‌ساز است، امت اسلامی مورد نظر است» (خامنه‌ای، ۱۳۹۴/۰۳/۱۴). حاصل این مرور مقدماتی در مفهوم‌شناسی تمدنی از منظر آیت‌الله خامنه‌ای را می‌توان این‌گونه خلاصه کرد که ایشان تمدن اسلامی را در دو سطح تحلیل و تبیین می‌کنند: یکم: در سطح اول (سطح خرد)، ایشان تمدن اسلامی را نظام‌واره‌ای می‌دانند که زندگی خوب و عزت‌مند را برای انسان (مخلوق) مهیا می‌کند تا او به غایت مورد نظر خدای متعال (خالق) دست یابد.

دوم: سطح دوم (سطح کلان)، ایشان تمدن اسلامی را چشم‌انداز و هدف غایی حرکت امت اسلامی در میان اجتماعات بشری تعریف و تبیین می‌کنند که البته گویا برای امت اسلامی، تمدن‌های اسلامی (ولی با مشترکات هویتی مشترک) قائل هستند، زیرا تنوع

ملت‌ها و تفاوت شرایط فرهنگی و اقلیمی را در این بحث به رسمیت می‌شناسند. با این توصیف، در ادامه سه مقوله مفهومی، شامل ارکان، اهداف و شاخص‌های تمدن اسلامی را از منظر آیت‌الله خامنه‌ای بررسی می‌کنیم.

ارکان تمدن اسلامی

رکن را در لغت‌نامه‌های فارسی به «پایه» و «جزو اصلی» هر چیز معنا کرده‌اند و مراد از جزو اصلی نیز آن جزئی است که بدیل ندارد. بنابراین، وقتی از رکن تمدن اسلامی سخن می‌رود، بنا به قاعده موجوبیت یافتن تمدن اسلامی باید به آنها وابسته باشد. «ما پایه‌هایی را که پیغمبر اکرم 9 برای بنای جوامع برجسته و متکامل انسانی بناگذاری کرده بود، در میان خود نگه نداشتیم؛ ما ناشکری و ناسپاسی کردیم و چوبش را هم خوردیم. اسلام این توانایی را داشت و دارد که بشریت را به سعادت برساند، به کمال برساند و از لحاظ مادی و معنوی او را رشد دهد. این پایه‌هایی که پیغمبر گذاشتند - پایه ایمان، پایه عقلانیت، پایه مجاهدت، پایه عزت - پایه‌های اصلی جامعه اسلامی است» (خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۰۴/۰۹). شرح اجمالی این پایه‌ها از منظر آیت‌الله خامنه‌ای در ادامه می‌آید:

الف) ایمان (به اسلام و ارزش‌های توحیدی): «یک نقطه اصلی وجود دارد و آن، ایمان است. یک هدفی را باید ترسیم کنیم - هدف زندگی را - به آن ایمان پیدا کنیم. بدون ایمان، پیشرفت در این بخش‌ها امکان‌پذیر نیست؛ کار درست انجام نمی‌گیرد. حالا آن چیزی که به آن ایمان داریم، می‌تواند لیبرالیسم باشد، می‌تواند کاپیتالیسم باشد، می‌تواند کمونیسم باشد، می‌تواند فاشیسم باشد، می‌تواند هم توحید ناب باشد» (خامنه‌ای، ۱۳۹۱/۰۷/۲۳). «آن جامعه‌ای که به دنبال توحید حرکت می‌کند، همه این خیراتی را که متوقف بر تمدن‌سازی است، به دست خواهد آورد؛ یک تمدن بزرگ و عمیق و ریشه‌دار خواهد ساخت و فکر و فرهنگ خودش را در دنیا گسترش خواهد داد» (همان). «پس در درجه اول، نیاز تمدن‌سازی اسلامی نوین به ایمان است. این ایمان را ما معتقدین به اسلام، پیدا کرده‌ایم. ایمان ما، ایمان به اسلام است» (همان).

بنابراین، یکی از ارکان تمدن‌سازی نوین اسلامی، باور نظری و عملی به توحید در این مسیر است. «اگر بخواهیم به ارزش‌های اسلامی سازنده تمدن اسلامی شناخت پیدا کنیم،





لازم است با مواردی آشنا شویم که آیت‌الله خامنه‌ای درباره ارزش‌های توحیدی معین کرده‌اند؛ از آن جمله:

- توحید یعنی رهایی انسان از عبودیت و اطاعت غیرخدا؛
- توحید یعنی شکستن تمام بندهای سلطه‌گری؛
- توحید یعنی شکستن رمز ترسیدن از نیروهای طاغوتی؛
- توحید یعنی اعتقاد و ایمان داشتن به قدرت‌هایی که خدا در نفس آدمی قرار داده است؛

- توحید یعنی ایمان به وعده‌های الهی درباره پیروزی مستضعفان» (شفیق جرادی، ۱۳۹۲).
 ب) توأمانی «نقل» و «عقل»: این رکن از ارکان مورد نظر آیت‌الله خامنه‌ای، در واقع گویای آن است که در حرکت تمدنی، وفاداری به کتاب و سنت با عقلانیت توأم شده است. به بیان دیگر، عقل در کنار کتاب و سنت به‌عنوان حجت در یافتن سبک و شیوه زندگی دینی لحاظ شده است. «در اسلام یکی از منابع حجت برای یافتن اصول و فروع دینی، عقل است؛ اصول اعتقادات را با عقل بایستی به‌دست آورد؛ در احکام فرعی هم عقل یکی از حجت‌هاست» (خامنه‌ای، ۱۳۸۳/۰۷/۰۵).

به نظر می‌رسد بتوان این توأمانی را رکن «توازن» در اندیشه تمدنی آیت‌الله خامنه‌ای نیز نامید. ایشان در بیانات مختلف، وجوه و ابعاد این توازن را مطرح ساخته‌اند و حتی بر این مطلب تأکید دارند که «مکتب امام یک بسته کامل است، یک مجموعه است، دارای ابعادی است؛ این ابعاد را باید با هم دید، با هم ملاحظه کرد. دو بُعد اصلی در مکتب امام بزرگوار ما، بُعد معنویت و بُعد عقلانیت است» (خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۰۳/۱۴).

با اینکه بعثت پیامبر مکرّم اسلام، مظهر وحی و ارسال دین اسلام است، اما حتی در این واقعه نیز آیت‌الله خامنه‌ای توأمانی مذکور را مطرح می‌کنند. به باور ایشان، «اولین کار پیامبر مکرّم، اثاره^۱ عقل است، برشوراندن قدرت تفکر است؛ قدرت تفکر را در یک جامعه تقویت کردن. این، حلال مشکلات است. عقل است که انسان را به دین راهبرد می‌دهد؛ انسان را به دین می‌کشاند؛ عقل است که انسان را در مقابل خدا به عبودیت وادار می‌کند؛ عقل است که انسان را از اعمال سفیهانه و جهالت‌آمیز و دل‌دادن به دنیا باز می‌دارد؛ عقل این

۱. تحریک کردن.

است. لذا اول کار این است که تقویت نیروی عقل و خرد در جامعه انجام بگیرد؛ تکلیف ما هم این است» (خامنه‌ای، ۱۳۸۸/۰۴/۲۹).

ج) نوگرایی: این رکن تمدن اسلامی می‌تواند مؤید این معنا باشد که تمدن اسلامی ضمن اینکه به ارزش‌های اصیل و اصول کتاب و سنت پای‌بند است، از تحجر و تعصب نیز به دور است. چنین مفهومی از نوگرایی دقیقاً ملازم دین‌مداری و عقل‌گرایی که پیش‌تر به‌عنوان دیگر ارکان حرکت تمدنی معرفی شد، می‌تواند باشد. به بیان دیگر، از منظر آیت‌الله خامنه‌ای «تجدد و نوگرایی حقیقی و باز کردن میدان‌های تازه زندگی، مطلوب اسلام است؛ اصلاً اسلام این را از انسان خواسته؛ این به برکت تأمل، تعمق، کار درست، کار فکری، تلاش عملی، مجاهدت، استقبال از کار و از خطر در همه میدان‌ها، و همت‌ها را بلند کردن به‌دست می‌آید». ایشان نقطه مقابل چنین توصیفی از نوگرایی را، سلفی‌گری انحرافی و تحجر دانسته، آن را مغایر نگرش تمدنی می‌دانند و این‌گونه بیان می‌کنند که «سلفی‌گری، اگر به معنای اصول‌گرایی در کتاب و سنت و وفاداری به ارزش‌های اصیل و مبارزه با خرافات و انحرافات و احیای شریعت و نفی غرب‌زدگی باشد، همگی سلفی باشید؛ و اگر به معنای تعصب و تحجر و خشونت میان ادیان یا مذاهب اسلامی ترجمه شود، با نوگرایی و سماحت و عقلانیت - که ارکان تفکر و تمدن اسلامی‌اند - سازگار نخواهد بود و خود باعث ترویج سکولاریسم و بی‌دینی خواهد شد» (خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۱۱/۱۴).

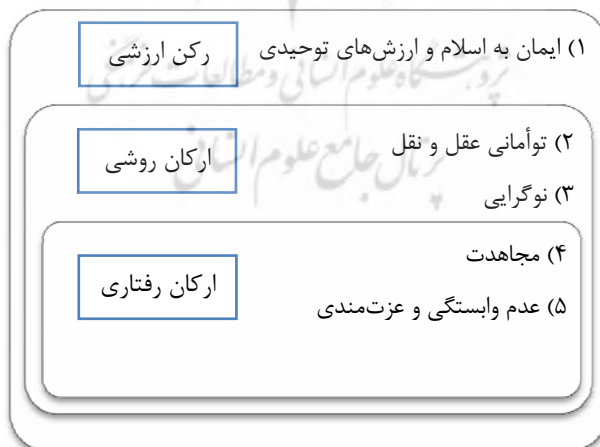
ه) عزت‌مندی و عدم وابستگی: عزت و عزت‌مندی در دو مفهوم قابل بحث و بررسی است. گاهی عزت را به‌عنوان محصول تمدن جست‌وجو می‌کنیم. «اگر آن تمدن [نوین اسلامی] به وجود آمد، آن وقت ملت ایران در اوج عزت است؛ ثروت هم دنبالش هست، رفاه هم دنبالش هست، امنیت هم دنبالش هست، عزت بین‌المللی هم دنبالش هست» (خامنه‌ای، ۱۳۹۱/۰۷/۲۳)، اما عزت به‌عنوان رکن تمدن اسلامی، به این معناست که اساساً تمدن اسلامی در شرایط ذلت و وابستگی و تقلیدپذیری حاصل نمی‌شود. از این رو، برای حرکت به سوی تمدن اسلامی باید حرکت عزت‌مندانه‌ای واقع شود. به بیان دیگر، «شرط رسیدن به تمدن اسلامی نوین در درجه اول این است که از تقلید غربی پرهیز شود. ما متأسفانه در طول سال‌های متمادی، یک چیزهایی را عادت کرده‌ایم تقلید کنیم» (همان). بنابراین باید دقت شود، حرکت به سوی تمدن نوین اسلامی توأم با «ذلت تقلید» نشود. ایشان در بیانی





این گونه به این مطلب اشاره کرده‌اند: «بعضی از کشورها هستند که رشد اقتصادی آنها به‌عنوان یک الگو، در گفتار و نوشتار برخی از روشنفکران ما مطرح می‌شود. بله، ممکن است آنها به یک صنعتی هم دست پیدا کرده باشند، پیشرفتی هم در زمینه مادی یا در زمینه علم و صنعت کرده باشند، اما اولاً مقلدند؛ ذلت تقلید و فرودستی تقلید، روی پیشانی آنها حک شده؛ علاوه بر این، همه آسیب‌های تمدن کنونی مادی غرب را آنها دارند، ولی اکثر منافعش را ندارند» (همان).

و) مجاهدت: تلاش و کوشش از ویژگی‌هایی اساسی در همه حرکت‌های تمدنی است. «همه تمدن‌سازی‌ها، به برکت مجاهدت دائم شده است. مجاهدت دائم هم همه‌اش به معنای رنج کشیدن نیست. جهاد، شوق‌آفرین است. جهاد، شادی و نشاط‌آفرین است. امروز که نیاز به این جهاد داریم، کسی بیاید به تنبلی و کسالت و انزوا و بیکاری و بیکارگی دعوت کند، اینها می‌شود کفران نعمت الهی» (خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۰۲/۱۱). با این توصیف، باید گفت ارکان و پایه‌های تمدن اسلامی از منظر آیت‌الله خامنه‌ای، شامل ایمان به اسلام و ارزش‌های توحیدی، توأمانی عقل و نقل، نوگرایی، مجاهدت و عزت‌مندی و عدم وابستگی است. به‌طبع با معنایی که برای ارکان تمدن مراد کردیم، نبود هریک از این پنج رکن، سبب نقص در تمدن اسلامی می‌شود. این ارکان را می‌توان در یک نظام‌واره مفهومی به شرح ذیل ارائه کرد:



نمودار ۱ - ارکان تمدن نوین اسلامی

همان گونه که در نمودار ملاحظه می شود، ارکان پنج گانه در سه گروه طبقه بندی شده است. رکن اول که کاملاً زیرساختی به شمار می آید ایمان به اسلام و ارزش های توحیدی است؛ گروه دوم را می توان ارکان روشی نامید که شامل توأمانی عقل و نقل و نوگرایی هستند. این دو رکن، به نوعی چارچوب روشی استنباط از دین و ارزش های دینی هستند که لازمه رسیدن به تمدن اسلامی هستند. گروه سوم نیز ارکان رفتاری نامیده می شود که شامل مجاهدت و تلاش گری و عدم وابستگی و پرهیز از تقلیدپذیری و وابستگی به تمدن های دیگر را در نظر دارد.

اهداف تمدن اسلامی

مقوله مفهومی دوم در معناشناسی تمدن از دیدگاه آیت الله خامنه ای، مقوله اهداف است. ایشان در تبیین چیستی تمدن اسلامی، در برهه های زمانی مختلف به اهداف تمدن اسلامی اشاره داشته اند. اهداف تمدنی مورد نظر ایشان ناظر به حوزه های اقتصاد، اجتماع، علم و فناوری، فرهنگ و به ویژه حوزه اخلاق و معنویت است.

الف) پیشرفت مادی و رشد و توسعه و اعتلای اقتصادی دنیای اسلام

آیت الله خامنه ای بارها بر اعتلای اقتصادی و پیشرفت مادی به عنوان هدف قطعی تمدن اسلامی تأکید کرده اند، ولی برای پیشرفت مادی یک سری شرط ها و شاخص های مقبولیتی را در نظر می آورند. از جمله مهم ترین این شرط ها، توأمانی پیشرفت اقتصادی با عدالت اجتماعی است که در ادامه به صورت یک هدف خاص ذکر می شود. همچنین ایشان در بیان دیگری، پیشرفت اقتصادی را به نوعی مقدمه امنیت و آسایش مردم تعریف می کنند: «تمدن و فکر اسلامی، پیشرفت مادی را می خواهد؛ اما برای امنیت مردم، آسایش مردم، رفاه مردم و همزیستی مهربانانه مردم با یکدیگر، این خصوصیات نظام اسلامی است» (خامنه ای، ۱۳۸۵/۰۸/۲۰). «گرچه اسلام نهضت و حرکت معنوی و اخلاقی بود و هدف اعلاای اسلام عبارت است از ساخت انسان متکامل و منطبق با تراز اسلامی، لکن بدون شک پیشرفت علم و پیشرفت و اعتلای اقتصادی جزو هدف های اسلامی است. تلاش برای رشد و توسعه و اعتلای جنبه اقتصادی دنیای اسلام، از کارهایی است که بلاشک جزو هدف های اسلامی است» (خامنه ای، ۱۳۸۳/۰۶/۲۵).



ب) ارتقای علم و فن آوری

«[اسلام] نسبت به علم، مهم‌ترین حرکت و مهم‌ترین تحریک و تحریر را داشته است. تمدن اسلامی به برکت حرکت علمی که از روز اول در اسلام شروع شد، به وجود آمد. هنوز دو قرن به‌طور کامل از طلوع اسلام نگذشته بود که حرکت علمی جهش‌وار اسلامی به وجود آمد» (خامنه‌ای، ۱۳۸۳/۰۷/۰۵). آیت‌الله خامنه‌ای با چنین نگاهی به پیشینه تمدن اسلامی، برای آینده کشور جایگاه علمی بسیار بالایی را در نظر گرفته و این هدف‌گذاری را مطرح کرده‌اند که «کشور باید در علم، در دانش و به تبع علم و دانش، در آنچه که مترتب بر علم است، در رتبه‌های اول جهان قرار بگیرد... باید برویم و برسیم» (خامنه‌ای، ۱۳۸۵/۰۸/۱۹).

ج) برقراری عدالت اجتماعی

در دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای توجه به عدالت در مفهوم‌پردازی تمدن اسلامی بسیار جدی است. گویا تمدن اسلامی بدون عدالت، نمی‌تواند معنا شود. جامعه در تمدن اسلامی با عدالت هویت می‌یابد: «در جامعه باید عدالت اجتماعی باشد. عدالت به معنای یکسان‌بودن همه برخوردارها نیست؛ به معنای یکسان‌بودن فرصت‌هاست؛ یکسان‌بودن حقوق است. همه باید بتوانند از فرصت‌های حرکت و پیشرفت بهره‌مند شوند. باید سرپنجه عدالت گریبان ستمگران و متجاوزان از حدود را بگیرد و مردم به این، اطمینان پیدا کنند» (خامنه‌ای، ۱۳۸۵/۰۸/۲۰). از سوی دیگر، همان‌گونه که پیش‌تر اشاره شد، همین معنای عدالت، از نظر ایشان، معیار نقد تمدن غربی نیز هست. ایشان به‌صراحت به این نکته اشاره دارند که «در تجربه غربی، عدالت اجتماعی و حتی دموکراسی واقعی نیست» (خامنه‌ای، ۱۳۸۴/۰۲/۱۹). اندیشه‌های آیت‌الله خامنه‌ای در قلمرو عدالت از این امتیاز برخوردار است که به مباحث نظری بسنده نکرده و به نکات ظریفی در قلمرو استقرار عملی عدالت در عینیت جامعه اسلامی توجه کرده است. به اعتقاد ایشان، تحسین عدالت و عشق‌ورزیدن به آن و سخن گفتن درباره آن کافی نیست، بلکه همت اصلی باید به پی‌ریزی مناسبات اجتماعی در عرصه‌های مختلف حیات جمعی بر مبنای عدالت معطوف باشد (واعظی، ۱۳۹۲: ۳۱۲).

نکته مهم در هدف‌گذاری تمدنی بر محور عدالت این است که دیگر اهداف تمدنی نیز باید با عدالت همخوانی داشته باشند. ایشان بر این مطلب اصرار دارند که «ما رونق



اقتصادی کشور را بدون تأمین عدالت اجتماعی به هیچ وجه قبول نداریم و معتقد به آن نیستیم» (خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۱۲/۲۰). همچنین ایشان در سال‌های اخیر و در حوزه مباحث مربوط به الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، به معیار عدالت تأکید ویژه‌ای داشته و اصرار دارند که «اگر کشوری در علم و فناوری و جلوه‌های گوناگون تمدن مادی پیشرفت کند، اما عدالت اجتماعی در آن نباشد، این به نظر ما و [مطابق] با منطق اسلام پیشرفت نیست». مورد دیگر در همین زمینه، نسبت عدالت با مباحث اعتقادی است. به عبارت دیگر، ایشان استقرار عدالت را با حوزه معنویت و باور به مبدأ و معاد نیز مرتبط می‌دانند. «در مسئله عدالت، اعتقاد به مبدأ و معاد، یک نقش اساسی دارد. ما از این نباید غفلت کنیم. نمی‌توان توقع داشت که در جامعه عدالت به معنای حقیقی کلمه استقرار پیدا کند، درحالی که اعتقاد به مبدأ و معاد نباشد. هر جا اعتقاد به مبدأ و معاد نبود، عدالت یک چیز سربار، تحمیلی و اجباری بیش نخواهد بود». بنابراین، باید گفت هدف تحقق عدالت با اهداف دیگر، یعنی با پیشرفت اقتصادی، با ارتقای علمی و با اعتلای معنوی مرتبط بوده و بدون همدیگر نمی‌توانند عینیت پایداری پیدا کنند.

د) اعتلای معنویت و اخلاق

هدف دیگری که آیت‌الله خامنه‌ای برای تمدن اسلامی مطرح کرده‌اند این است که در جامعه تراز تمدن اسلامی، انس با خدا و عالم معنا باید فراگیر شود: «آن کشور و جامعه‌ای که مورد نظر اسلام است، باید هم از لحاظ مادی و هم از لحاظ معنوی، پیشرو باشد» (خامنه‌ای، ۱۳۸۵/۰۸/۲۰). «در چنین جامعه‌ای، معنویت و اخلاق هم باید به قدر حرکت پیش‌رونده مادی پیشرفت کند. دل‌های مردم با خدا و معنویات آشنا بشود. انس با خدا، انس با عالم معنا، ذکر الهی و توجه به آخرت در یک چنین جامعه‌ای بایستی رایج شود. اینجاست که آن خصوصیت استثنایی جامعه و تمدن اسلامی، خود را نشان می‌دهد؛ ترکیب و آمیختگی دنیا و آخرت باهم» (همان). «این تمدن، قرن‌ها — لاقلاً در چند قرن از قرون اولیه — دنیا را اداره کرد و امروز هم دنیا، مدیون تمدن اسلامی است. توجه به خدا و توجه به معنویت، باعث تکوین چنین تمدنی شد» (خامنه‌ای، ۱۳۷۵/۱۱/۲۱).



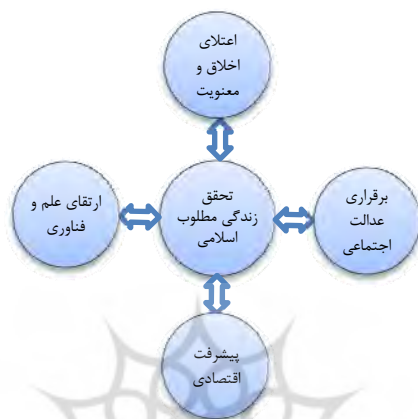
ه) تبیین و تحقق زندگی مطلوب اسلامی

«نظام جمهوری اسلامی در میان تندباد حوادث گوناگون شکل گرفت؛ این حرف بارها تکرار شده است، لکن نباید از یاد ببریم نظامی که شعارش عبارت است از تحقق دین خدا در زندگی مردم و در جامعه مردمی و کشور، شعارش قالب‌گیری زندگی اجتماعی ماست با شریعت الهی و دین الهی و ضوابط و ارزش‌های الهی، یک چنین نظامی در دنیایی که دو سه قرن با سرعت به سمت مادی‌گری پیش رفته و شکل گرفته، چیزی شبیه معجزه بود و این معجزه اتفاق افتاد» (خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۰۶/۱۴). دقت در این گونه اظهارات آیت‌الله خامنه‌ای (که فراوانی قابل توجهی نیز دارد)، حکایت از آن دارد که هدف مهم «دینی شدن زندگی مردم، جامعه و کشور» هدف اساسی و کانونی تشکیل نظام جمهوری اسلامی ایران است. برای حرکت تمدنی اسلامی، ابعاد، ویژگی‌ها و فرهنگ این زندگی باید تبیین و ترویج شود؛ یعنی «باید ما به دنبال این باشیم که فرهنگ زندگی را تبیین کنیم، تدوین کنیم و به شکل مطلوب اسلام تحقق ببخشیم. این مایه‌های این فرهنگ عبارت است از خردورزی، اخلاق، حقوق؛ اینها را اسلام در اختیار ما قرار داده است. اگر ما به این مقولات به طور جدی نپردازیم، پیشرفت اسلامی تحقق پیدا نخواهد کرد و تمدن نوین اسلامی شکل نخواهد گرفت» (خامنه‌ای، ۱۳۹۱/۰۷/۲۳). این تعبیر نیز مؤید کانونی بودن هدف «اسلامی شدن زندگی» و «تحقق زندگی مطلوب اسلامی» است.

با دقت در بیانات ایشان درباره اهداف تمدن اسلامی، به نظر می‌رسد که این اهداف باید در چارچوب یک ساختار مفهومی نظام‌وار مورد توجه قرار گیرند. به بیان دیگر، به جای اهداف تمدن اسلامی، «نظام اهداف تمدن اسلامی» داریم. شاید بتوان این گونه نتیجه گرفت که تمدن اسلامی یک حرکت متوازن را در غایت مقصد خود دارد. با این توصیف، در تمدن اسلامی، برای پی‌گیری هر یک از اهداف اجتماعی، نباید از وجود و ضرورت اهداف دیگر غفلت داشت. از این روست که پیشرفت اقتصادی با تحقق عدالت اجتماعی و این دو با اعتلای فرهنگ، اخلاق و معنویت و نیز ارتقای علم و فناوری باید در یک مدار متوازن و هماهنگ، تحقق زندگی مطلوب اسلامی را فراهم سازند. با این توصیف، هدف کانونی در تمدن نوین اسلامی، دستیابی به زندگی مطلوب اسلامی است و دیگر اهداف،



به نوعی هدف ثانوی ناظر به این هدف هستند. البته همان گونه که در نمودار مشخص است، همه این پنج هدف در یک ارتباط دوسویه تأثیرپذیر و تأثیرگذار از (بر) هم هستند. البته چگونگی تحقق این توازن و نسبت میان اهداف در عالم واقع، یک پرسش جدی در جهت رسیدن به تمدن اسلامی است.



نمودار ۲ - نظام اهداف تمدن نوین اسلامی

شاخص‌های تراز یابی تمدن اسلامی

مؤلفه دیگری که در مفهوم‌شناسی تمدن اسلامی از منظر آیت‌الله خامنه‌ای قابل ذکر است، شاخص‌های تراز یابی تمدن اسلامی است. ایشان به سنجه‌هایی اشاره داشته‌اند که همچون خطوط راهنما، امکان سنجش و ارزیابی کارکرد تمدن اسلامی را فراهم می‌آورد. این شاخص‌ها نه تنها برای توصیف و شناخت بیشتر تمدن اسلامی است، بلکه وجه تمایز تمدن اسلامی با دیگر تمدن‌ها را بیش از پیش آشکار می‌کند. نگارنده بر پایه سخنان آیت‌الله خامنه‌ای این شاخص‌ها را به صورت ذیل طبقه‌بندی کرده است: الف) شاخص اصلی؛ ب) شاخص نمادی؛ ج) شاخص تمایزبخش. در ادامه نگاه اجمالی به هریک از این شاخص‌ها می‌افکنیم:

الف) شاخص اصلی: تعالی و سعادت انسان‌ها

«شاخصه اصلی و عمومی این تمدن، بهره‌مندی انسان‌ها از همه ظرفیت‌های مادی و معنوی‌ای است که خداوند برای تأمین سعادت و تعالی آنان، در عالم طبیعت و در وجود





خود آنان تعبیه کرده است» (خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۰۲/۰۹). این مهم، در گرو بهره‌مندی از ظرفیت‌هایی است که خدای متعال تعبیه کرده است. این ظرفیت‌ها عبارتند از: الف) ظرفیت های عالم طبیعت؛ ب) ظرفیت های وجودی انسان‌ها.

ب) شاخص نمادی: آرایش ظاهری و بروز و ظهور بیرونی

از نظر آیت‌الله خامنه‌ای تمدن اسلامی از نظر آرایش ظاهری و نمود بیرونی نیز مشخصاتی دارد: «آرایش ظاهری این تمدن را در حکومت مردمی، در قوانین برگرفته از قرآن، در اجتهاد و پاسخ‌گویی به نیازهای نوبه‌نوی بشر، در پرهیز از تحجر و ارتجاع و نیز بدعت و التقاط، در ایجاد رفاه و ثروت عمومی، در استقرار عدالت، در خلاص شدن از اقتصاد مبتنی بر ویژه‌خواری و ربا و تکاثر، در گسترش اخلاق انسانی، در دفاع از مظلومان عالم، و در تلاش و کار و ابتکار، می‌توان و باید مشاهده کرد» (همان). بنابراین، می‌توان گفت سنجه‌های شاخص نمادی ناظر به توصیف امور دنیا و زندگی مردم در تمدن اسلامی است. «دنیای تمدن اسلامی، دنیایی که با تعلیمات ارزشمند پیامبران الهی و با آیات نورانی خدای متعال، برای بشر آراسته و منور شده است، دنیای شایسته انسان است؛ دنیایی که در آن، هم آبادی و رفاه و پیشرفت علمی و پیشرفت صنعتی هست و هم اقتدار سیاسی و تعالی معنوی وجود دارد. دنیایی که در آن، انسان‌ها کنار یکدیگر احساس آرامش و امنیت و اطمینان می‌کنند و انسانیت در آن شکوفاست» (خامنه‌ای، ۱۳۷۶/۰۲/۰۳). از این رو، همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، سنجه‌های شاخص نمادی اعم از سنجه‌های ایجابی و سنجه‌های سلبی هستند.

ج) شاخص تمایزبخش

آیت‌الله خامنه‌ای در کنار ویژگی‌ها و مشخصه‌های پیشین، از شاخص‌هایی نیز یاد می‌کنند که به نوعی نشانگر وجوه تمایز تمدن اسلامی با تمدن غربی است. ایشان معتقدند از درون تمدن اسلامی می‌توان به موقعیتی رسید که تمدن غرب سال‌ها داعیه رسیدن به آن را دارد. آزادی و حقوق شهروندی، برابری، نظم و شریعت‌گرایی فارغ از تحجر و جمود از جمله این شاخص‌ها هستند. البته ایشان این کار را «جهاد بزرگ» می‌دانند و تأکید می‌کنند: «در این جهاد بزرگ، کار اصلی شما این خواهد بود که... چگونه «آزادی و حقوق اجتماعی» منهای «لیبرالیزم»، و «برابری» منهای «مارکسیسم»، و «نظم» منهای «فاشیسم غرب» را نهادینه

کنید؛ چگونه تقید خویش به شریعت مترقی اسلام را حفظ کنید، بی آنکه گرفتار جمود و تحجر شوید؛ چگونه مستقل شوید، بی آنکه منزوی شوید؛ چگونه پیشرفت کنید، بی آنکه وابسته شوید؛ چگونه مدیریت علمی کنید، بی آنکه سکولاریزه و محافظه کار شوید» (خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۱۱/۱۴).

۳. ایجاد و تکوین تمدن اسلامی

در دو بخش پیشین به دو مبحث «امکان‌سنجی» و «چیستی (مفهوم‌شناسی)» تمدن نوین اسلامی پرداختیم. در بخش پایانی مقاله، به مبحث «چگونگی دستیابی به تمدن نوین اسلامی» از منظر ایشان می‌پردازیم. در بخش سوم، دیدگاه‌های ایشان ذیل سه مقوله مفهومی شامل «پیش‌نیازها»، «مراحل» و «الزامات» رسیدن به تمدن نوین اسلامی مورد توجه قرار گرفته است. شاید مهم‌ترین مبحث، به الزامات رسیدن به تمدن اسلامی مربوط باشد. در این بخش، در واقع به کارویژه‌هایی اشاره شده است که جمهوری اسلامی ایران در مسیر حرکت تمدنی باید بر اجرایی‌سازی آنها تلاش داشته باشد. این الزامات هم در دو عنوان، شامل «الزامات تمهیدی» و «الزامات کارکردی» بررسی شده‌اند.

پیش‌نیازهای شکل‌گیری تمدن اسلامی

با دقت در بیانات آیت‌الله خامنه‌ای، برخی مؤلفه‌ها را می‌توان به‌عنوان پیش‌نیاز حرکت به سوی بنای تمدن اسلامی معرفی کرد. شناخت این زمینه‌ها و پیش‌نیازها، امت اسلام را در شکل‌دهی این تمدن عظیم یاری می‌کند.

الف) شناخت و مواجهه با چالش‌ها

دنیای جدید هر روز با معضل و مسئله جدیدی روبه‌روست. نظام‌ها و تمدن‌هایی ماندگار خواهند بود که در برخورد با این معضلات بتوانند مسیر تکاملی بپیمایند: «فرهنگ اسلامی و تمدن اسلامی همواره در مصاف با معضلات جدید و نیز در چالش با مکاتب و تمدن‌های دیگر، شکفته است» (خامنه‌ای، ۱۳۸۱/۱۱/۱۶). نکته قابل توجه در این زمینه، ایجاد توانمندی در شناخت درست چالش‌هاست. «امروز نظام اسلامی با چالش‌های بزرگی مواجه است. اگر این چالش‌ها شناخته نشود، اگر معارضه‌ها دانسته نشود — چه معارضه‌های ممکن، چه





معارضه‌های واقع و موجود - نمی‌توان درست نقش ایفا کرد» (خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۰۷/۱۴). بنابراین، حرکت تکاملی جمهوری اسلامی به سوی تمدن نوین اسلامی در گرو شناخت درست و مواجهه شایسته با چالش‌های محیطی و درونی است.

ب) ایجاد و حمایت از فضای انتقادی

آن‌گونه که در ادامه خواهد آمد، تولید علم از الزامات قطعی ایجاد تمدن اسلامی است. پیش‌نیاز «ایجاد و حمایت از فضای انتقادی» پیش‌نیازی ناظر به این الزام است که در بیان عالمانه و مترقی آیت‌الله خامنه‌ای این‌طور معرفی شده است: «بدون فضای انتقادی سالم و بدون آزادی بیان و گفت‌وگوی آزاد با «حمایت حکومت اسلامی» و «هدایت علما و صاحب‌نظران»، تولید علم و اندیشه دینی و در نتیجه، تمدن‌سازی و جامعه‌پردازی ناممکن یا بسیار مشکل خواهد بود» (خامنه‌ای، ۱۳۸۱/۱۱/۱۶). بنابراین در واقع باید گفت دستیابی به تمدن نیازمند فضایی است که افراد جامعه بتوانند آزادانه نظرات و انتقادات خود را بیان کنند. در عین حال، صاحب‌نظران و علما نیز باید به این فضای انتقادی جهت داده و آن را هدایت کنند.

ج) آینده‌نگری در تمدن‌سازی

گروهی از منتقدان رویکرد تمدنی، از این زاویه به نقد می‌پردازند که جامعه ما امروز دچار مشکلات است و باید به مسائل امروز توجه کرد و از این‌رو، سخن از تمدن آینده، مشکلی را از امروز حل نمی‌کند، ولی در مقابل این نگاه، رویکرد آیت‌الله خامنه‌ای این است که جریان تمدن‌سازی که در تمام دوران بشریت نمود داشته، باید با نگاه آینده‌نگرانه به پیش رود. ایشان در تبیین این نگاه، فرد مؤمن و مسلمان را به‌عنوان عامل معرفی می‌کنند. «آن هدفی که ترسیم کردیم برای خودمان به‌عنوان مؤمن، به‌عنوان مسلمان، به‌عنوان پیرو یک مکتب مترقی، به‌عنوان کسانی که انگیزه داریم برای برپا داشتن این بنای رفیعی که خبر از شکوفایی تمدن اسلامی در آینده و در قرون آینده می‌دهد، احتیاج داریم به ذکر خدا تا بتوانیم در این جاده حرکت کنیم» (خامنه‌ای، ۱۳۸۶/۰۶/۳۱). گفتنی است ایشان در بیان دیگری، افق زمانی آینده را هم مشخص می‌کنند و سخن از ده‌ها سال به میان می‌آورند. «به فضل

پروردگار در طول سال‌های آینده و ده‌ها سال آینده، چنان بنای تمدن رفیعی در اینجا و بسی جاهای دیگر، شالوده‌ریزی خواهد شد و چنان عظمتی از اسلام و مسلمین آشکار خواهد شد که دیگر حقیقت و واقعیتی برای استکبار جهانی باقی نخواهد ماند» (خامنه‌ای، ۱۳۷۳/۰۸/۱۱). همچنین به لحاظ معرفتی نیز عصر تمدن حقیقی اسلامی را مصادف با عصر ظهور حضرت حجت (عج) بیان می‌دارند: «در دوران ظهور، تمدن حقیقی اسلامی و دنیای حقیقی اسلامی به وجود خواهد آمد. بعضی کسان خیال می‌کنند دوران ظهور حضرت بقیة‌الله، آخر دنیا است! من عرض می‌کنم دوران ظهور حضرت بقیة‌الله، اول دنیا است؛ اول شروع حرکت انسان در صراط مستقیم الهی است؛ با مانع کمتر یا بدون مانع؛ با سرعت بیشتر؛ با فراهم‌بودن همه امکانات برای این حرکت. اگر صراط مستقیم الهی را مثل یک جاده وسیع، مستقیم و همواری فرض کنیم، همه انبیا در این چند هزار سال گذشته آمده‌اند تا بشر را از کوره‌راه‌ها به این جاده برسانند. وقتی به این جاده رسید، سیز تندتر، همه‌جانبه‌تر، عمومی‌تر، موفق‌تر و بی‌ضایعات یا کم‌ضایعات‌تر خواهد بود. دوره ظهور، دوره‌ای است که بشریت می‌تواند نفس راحتی بکشد؛ می‌تواند راه خدا را طی کند؛ می‌تواند از همه استعدادهای موجود در عالم طبیعت و در وجود انسان به شکل بهینه استفاده کند» (خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۰۷/۱۴). بنا بر آنچه گذشت، در این مجال سه پیش‌نیاز معرفتی شد. بر اساس این موارد می‌توان گفت هرگاه در جامعه‌ای که نگاه به آینده‌ای امیدبخش (که همانا در مکتب اسلام و به‌ویژه تشیع امید به عصر ظهور منجی موعود (عج) است) و هوشمندی نسبت به شرایط و چالش‌های محیط به‌همراه داشتن روحیه نقد و تحمل فراگیر شود، آن جامعه در جاده حرکت به سوی تمدن اسلامی قرار گرفته است.

مراحل تکوین تمدن اسلامی

بی‌شک هیچ تمدنی به یکباره شکل نمی‌گیرد و باید از مسیرها، دوره‌ها و نظام‌های مختلفی گذر کند. یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های اندیشه‌ای آیت‌الله خامنه‌ای ناظر به فرایند تحقق تمدن اسلامی است؛ به گونه‌ای که این فرایند را معطوف به تجربه جمهوری اسلامی ایران معرفی می‌کنند: «ما یک انقلاب اسلامی داشتیم، بعد نظام اسلامی تشکیل دادیم، مرحله بعد





تشکیل دولت اسلامی است، مرحله بعد تشکیل کشور اسلامی است، مرحله بعد تشکیل تمدن بین‌الملل اسلامی است. ما امروز در مرحله دولت اسلامی و کشور اسلامی قرار داریم» (خامنه‌ای، ۱۳۸۳/۰۸/۰۶). این فرایند پنج مرحله‌ای در ادامه به‌اجمال معرفی می‌شود:

مرحله اول: وقوع انقلاب اسلامی

پیروزی انقلاب و تحولات سیاسی در کشور نقطه آغاز حرکت به سوی تمدن نوین اسلامی است. در این انقلاب، «هدف این بود که این کشور با این نظام بتواند از همه خوبی‌ها و پیشرفت‌ها و خیرات و برکاتی که خدای متعال به ملت‌های مؤمن وعده داده است، برخوردار شود» (خامنه‌ای، ۱۳۸۴/۰۵/۲۸)، اما اگر برای انقلاب معنای گسترده‌تری در نظر گرفته شود، این مرحله را می‌توان همواره زنده و پویا دانست.^۱ آیت‌الله خامنه‌ای این معنا را این‌گونه شرح داده‌اند: «انقلاب یک امر دفعی نیست؛ یک امر تدریجی است. یک مرحله انقلاب که تغییر نظام سیاسی است، دفعی است؛ اما در طول زمان، انقلاب باید تحقق پیدا کند. این تحقق چگونه است؟ این تحقق به آن است که آن بخش‌هایی که عقب مانده و تحوّل پیدا نکرده است، تحوّل پیدا کند و روز به روز راه‌های جدید، کارهای جدید، فکرهای جدید و روش‌های جدید، در چارچوب و بر پایه آن ارزش‌ها در جامعه به‌وجود بیاید و پیش برود، تا آن ملت بتواند با نشاط و با قدرت به سمت هدف خودش حرکت کند. برگشت، غلط است؛ عقب‌گرد، خسارت است؛ اما ایستادن هم غلط است، باید حرکت کرد و به جلو رفت» (خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۰۲/۲۳).

مرحله دوم: تشکیل نظام اسلامی

«نظام اسلامی، یعنی طرح مهندسی و شکل کلی اسلامی را در جایی پیاده کردن. مثل اینکه وقتی در کشور ما نظام سلطنتی استبدادی فردی موروثی اشرافی وابسته برداشته شد، به‌جای آن، نظام دینی تقوایی مردمی‌گزینی جایگزین می‌شود؛ با همین شکل کلی که قانون اساسی برایش معین کرده، تحقق پیدا می‌کند» (خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۰۹/۱۲). این توصیف برای نظام اسلامی، یعنی اینکه «هندسه عمومی جامعه، اسلامی بشود» (خامنه‌ای، ۱۳۸۰/۰۹/۲۱). بنابراین،

۱. چنان‌که در ادامه نیز اشاره خواهد شد، مراحل پنج‌گانه‌ای که در اینجا تشریح می‌شود، به‌صورت زنجیروار قابلیت تکرار تکاملی دارند.

در نظام اسلامی، «دین، مایه و پایه و محور قانون و اجرا در کشور است و حرکت مردم به سمت اهداف و آرمان‌های دینی است؛ این معنای نظام اسلامی است» (خامنه‌ای، ۱۳۸۴/۰۵/۲۸). از دید آیت الله خامنه‌ای در تجربه جمهوری اسلامی ایران، بنیان‌گذار انقلاب کار نظام‌سازی را به این صورت تدارک دیدند: «امام؛ خبرگان ملت را از طریق انتخابات مأمور کرد که قانون اساسی را تدوین کنند. آن تدوین‌کنندگان قانون اساسی، با انتخاب ملت این کار را انجام دادند. این جور نبود که امام یک جمع خاصی را بگذارد که قانون اساسی بنویسند؛ به عهده ملت گذاشته شد. ملت خبرگانی را با شناسایی خود، با معرفت خود انتخاب کردند و آنها قانون اساسی را تدوین کردند. بعد امام همین قانون اساسی را مجدداً در معرض آرای مردم قرار داد و رفراندوم قانون اساسی در کشور تشکیل شد. این، یکی از مظاهر عقلانیت امام است. ببینید، پایه‌های نظام را امام این جور مستحکم کرد. هم از لحاظ حقوقی، هم از لحاظ سیاسی، هم از لحاظ فعالیت اجتماعی، هم از لحاظ پیشرفت‌های علمی، امام یک قاعده محکم و مستحکمی را به وجود آورد که بر اساس این قاعده می‌شود تمدن عظیم اسلامی را بنا نهاد» (خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۰۳/۱۴). بر این اساس، «منبع تقنین و معیار و ملاک اجرا و ارکان تصمیم‌گیری در کشور معلوم شد؛ ارکان حکومت — قوه مجریه، قوه مقننه، رهبری، قوه قضاییه و دیگر ارکان — چیده شد و قانون اساسی آمد همه اینها را تثبیت کرد؛ لذا پایه‌گذاری‌های اصولی انجام گرفت» (خامنه‌ای، ۱۳۸۴/۰۶/۰۸).

مرحله سوم: تشکیل دولت اسلامی

دقت در تبیین آیت الله خامنه‌ای درباره فرایند حرکت جمهوری اسلامی ایران به سوی تمدن نوین اسلامی، نشان می‌دهد شاخصه‌های دولت اسلامی را باید هم در رفتار کارگزاران و دولت‌مردان و هم در کارکردهای نظام اسلامی جست‌وجو کرد. «امروز دولت ما — یعنی مسئولان قوه مجریه، قوه قضاییه، قوه مقننه که مجموع اینها دولت اسلامی است — سهم خوبی از حقایق اسلامی و ارزش‌های اسلامی را دارد، اما کافی نیست؛ باید بیشتر به سمت اسلامی شدن، مسلمان شدن و مؤمنانه و مسلمانانه زندگی کردن برویم. باید به سمت زندگی علوی برویم» (خامنه‌ای، ۱۳۸۳/۰۸/۰۶). ایشان در بیان دیگری، دولت اسلامی را این‌گونه توصیف می‌کنند: «دولت اسلامی شامل همه کارگزاران نظام اسلامی است؛ نه فقط قوه مجریه؛ یعنی حکومت‌گران و خدمت‌گزاران عمومی. اینها باید جهت‌گیری‌ها و رفتار





اجتماعی و رفتار فردی خود و رابطه‌شان با مردم^۱ را با معیارهای اسلامی تطبیق دهند تا بتوانند به آن اهداف برسند. بعد هم باید آن جهت‌گیری‌ها را در مدّ نگاه خودشان قرار دهند و به سرعت به سمت آن جهت‌گیری‌ها حرکت کنند؛ این می‌شود دولت اسلامی» (خامنه‌ای، ۱۳۸۴/۰۶/۰۸).

خلاصه اینکه از نظر آیت‌الله خامنه‌ای «معنای شعار دولت اسلامی این است که ما می‌خواهیم اعمال فردی، رفتار با مردم، رفتار بین خودمان و رفتار با نظام‌های بین‌المللی و نظام سلطه امروز جهانی را به معیارها و ضوابط اسلامی نزدیک‌تر کنیم. این شعار، بسیار باارزش است» (همان).

مرحله چهارم: تشکیل کشور اسلامی

تلاش دولت اسلامی در جهت تکامل و اعتلای حقایق و اصالت‌های بشری برای عبور از مرحله دولت اسلامی به مرحله کشور اسلامی ضروری است. «حقایق بشری و اصالت‌های بشری با گذشت زمان تغییر پیدا نمی‌کنند. انسان‌ها از اول تاریخ تا امروز و از امروز تا پایان دنیا، همیشه عدالت را دوست داشته‌اند و به عدالت نیازمند بوده‌اند» (خامنه‌ای، ۱۳۸۴/۰۵/۲۸). «عدالت و صلاح مسئولان همیشه لازم است؛ حیف و میل نکردن اموال مردم که دست من و امثال من است، همیشه لازم است؛ اینکه تغییرپذیر نیست. اگر به توفیق الهی بتوانیم در این جهت خود را کامل کنیم و قدم‌هایی را که تا امروز بحمدالله برداشته شده، کامل کنیم، آن وقت کشور اسلامی به همان شکلی که گفتم، به وجود خواهد آمد؛ یعنی دولت اسلامی می‌تواند کشور اسلامی به وجود بیاورد» (همان). در این صورت، «عدالت مستقر خواهد شد؛ تبعیض از بین خواهد رفت؛ فقر به تدریج ریشه کن می‌شود؛ عزت حقیقی برای مردم به وجود می‌آید؛ جایگاهش در روابط بین‌الملل ارتقا پیدا می‌کند؛ این می‌شود کشور اسلامی» (خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۰۹/۱۴). البته از منظر ایشان، قید اسلامی برای چنین کشوری، اسلامی است که هدایت‌گری آن بروز و ظهور یافته باشد. به بیان دیگر، ایشان کشوری را اسلامی می‌دانند که در آن «اسلام حیات‌بخش، اسلام نشاط‌آور، اسلام تحرک‌آفرین، اسلام بدون کج‌اندیشی و تحجر و انحراف، اسلام بدون التقاط، اسلام شجاعت‌بخش به انسان‌ها، و

۱. در همین بیانات «رفتار با نظام‌های بین‌المللی و نظام سلطه امروز جهانی را نیز اضافه کرده‌اند».

اسلام هدایت کننده انسان‌ها به سوی علم و دانش بر آن حاکم است» (خامنه‌ای، ۱۳۸۴/۰۵/۲۸). با این توصیف، می‌توان گفت کشوری که در آن تحجر، انحراف و یا التقاط نمایان است، کشور اسلامی نیست.

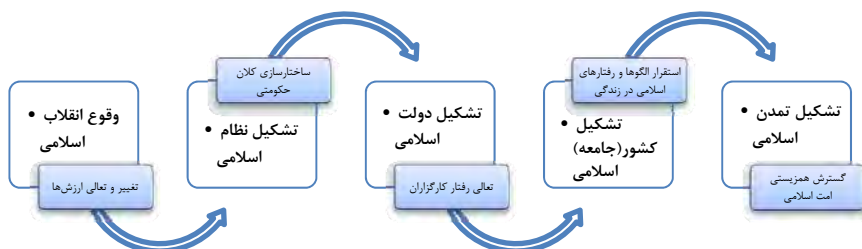
مرحله پنجم: تشکیل تمدن بین‌الملل اسلامی

مرحله پایانی حرکت تمدنی در دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای، مرحله تشکیل تمدن بین‌الملل اسلامی است. پس از تشکیل کشور اسلامی، «بعدش دنیای اسلامی است. از کشور اسلامی می‌شود دنیای اسلام درست کرد؛ الگو که درست شد، نظایرش در دنیا به وجود می‌آید». از نظر ایشان، «امروز ما - هم مسئولان و صاحبان مناصب در جمهوری اسلامی و هم آحاد مردم - به شدت احتیاج داریم که این دستورات و توصیه‌ها [ای اسلامی] را بشناسیم و به آنها عمل کنیم. اگر به این دستورات عمل کردیم، آن‌گاه «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ» (آل‌عمران: ۱۱۰) تحقق پیدا خواهد کرد؛ یعنی امتی خواهیم شد که وقتی همه دنیا به ما نگاه می‌کنند، می‌توانند از ما سرمشق بگیرند و ما را اسوه خودشان قرار دهند» (خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۰۹/۲۵). این به معنای «گسترش زندگی مطلوب اسلامی» در جامعه بشری و تشکیل تمدن بین‌الملل اسلامی است.

با بررسی مراحل پنج‌گانه می‌توان گفت نکته مهم و قابل توجه در این میان آن است که در این فرایند، شروع هر مرحله، به معنی پایان و مرگ مرحله قبل نیست، بلکه هر مرحله نقش و جایگاه مفهومی‌ای دارد که همواره در حال تکامل است. به بیان دیگر، «یک زنجیره منطقی وجود دارد؛ حلقه اول، انقلاب اسلامی است، بعد تشکیل نظام اسلامی است، بعد تشکیل دولت اسلامی است، بعد تشکیل جامعه اسلامی است، بعد تشکیل امت اسلامی است؛ این یک زنجیره مستمری است که به هم مرتبط است» (خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۰۷/۲۴). به نظر می‌رسد مستمر بودن زنجیره به این معنا باشد که حلقه‌های زنجیره امکان تکرار داشته باشند. به عبارت دیگر، روحیه انقلابی همواره در همه مراحل حرکت تمدنی لازمه پویایی و نوزایی جریان متعالی تمدن اسلامی است. به تعبیر آیت‌الله خامنه‌ای، «منظور از انقلاب اسلامی - که حلقه اول است - حرکت انقلابی است، و گرنه به یک معنا انقلاب شامل همه این مراحل می‌شود. اینجا منظور ما از انقلاب اسلامی، یعنی همان حرکت انقلابی و جنبش انقلابی که نظام مرتجع را، نظام قدیمی را، نظام وابسته و فاسد را سرنگون می‌کند و زمینه را



برای ایجاد نظام جدید آماده می‌کند» (همان). با این توصیف، به احتمال نمودار ذیل بتواند زنجیره مراحل حرکت تمدنی را به تصور کشد:



نمودار ۳ - مراحل تکوین تمدن اسلامی

الزامات رسیدن به تمدن اسلامی

با توجه به مراحل و مسیر حرکت تمدنی از منظر آیت‌الله خامنه‌ای، به طبع حرکت موفق در این مسیر با الزاماتی همراه است که با تلاش و جدیت توأمان عموم مردم و نیز مسئولان جامعه امکان‌پذیر است. این الزامات در واقع کارویژه‌هایی هستند که از نظر آیت‌الله خامنه‌ای لازمه حرکت برای رسیدن به تمدن اسلامی شمرده می‌شوند. این الزامات در چهار عنوان و ذیل دو بخش طبقه‌بندی شده است:

الف) الزامات تمهیدی اساسی

این گروه از الزامات در واقع مهیاکننده زیرساخت‌های اساسی برای تمدن‌سازی هستند. این الزامات ناظر به تقویت و اعتلای دارایی‌ها و ظرفیت‌های ناملموس (یعنی فکر و ظرفیت انسانی) یک کشور به‌شمار می‌آیند. آیت‌الله خامنه‌ای در بیانی این گروه از الزامات را این‌گونه معرفی می‌کنند: «برای ایجاد یک تمدن اسلامی - مانند هر تمدن دیگر - دو عنصر اساسی لازم است: یکی تولید فکر، یکی پرورش انسان. تولید فکر در هر زمانی متناسب با نیاز آن زمان از این اقیانوس عظیم معارف [اسلامی] ممکن است» (خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۰۷/۱۴). در ادامه چستی این دو عنصر کلیدی و تمهیدی (بدین معنا که بدون این دو در واقع نمی‌توان انتظار ایجاد تمدنی داشت)، یعنی «تولید فکر» و «پرورش انسان» را بررسی خواهیم کرد:

۱. تولید فکر و علم برای تمدن‌سازی اسلامی

در باور آیت‌الله خامنه‌ای تولید علم و معرفت معنای خاصی دارد که بیشتر بر نوآوری علمی اطلاق می‌شود و این دقیقاً رودروی دیدگاه ترجمه و رونوشت‌برداری قرار دارد



که جریان تحجر و وابستگی از آن پیروی می‌کند (سبحانی، ۱۳۹۲: ۲۶۴). آیت‌الله خامنه‌ای در ضرورت تولید فکر و علم برای تمدن‌سازی بر این باورند که «پایه اصلی تمدن، نه بر صنعت و فن‌آوری و علم، که بر فرهنگ و بینش و معرفت و کمال فکری انسانی است» (خامنه‌ای، ۱۳۷۳/۰۱/۰۱). در واقع، از منظر ایشان برخورداری یک امت از مکتب فکری، لازمه حرکت به سوی تمدن است؛ به گونه‌ای که باید گفت: «برای یک کشور خیلی مهم است که اولاً، نیازهای حقیقی و اساسی خودش را درست بشناسد و تصمیم بگیرد که این نیازها را برطرف کند؛ ثانیاً، ابزار برطرف کردن این نیازها را که در درجه اول، فکر و نیروی انسانی است، در اختیار داشته باشد؛ این برای یک کشور خیلی مهم و تاریخ‌ساز است؛ این تمدن‌ساز است» (خامنه‌ای، ۱۳۸۵/۰۳/۲۵). بر همین مطلب، در بیانی در زمان دیگری، این گونه تأکید شده است: «هیچ ملتی بدون دارا بودن یک فکر و یک ایدئولوژی و یک مکتب نمی‌تواند تمدن‌سازی کند. بدون داشتن یک مکتب، بدون داشتن یک فکر و یک ایمان و بدون تلاش برای آن و پرداختن هزینه‌های آن، تمدن‌سازی امکان ندارد» (خامنه‌ای، ۱۳۹۱/۰۷/۲۳). سه مورد از ویژگی‌های اندیشه‌ای آیت‌الله خامنه‌ای در موضوع تولید فکر و علم برای تمدن‌سازی اسلامی عبارتند از:

یکم - ضرورت نهضت علمی و جنبش نرم‌افزاری: نهضت، حرکت اجتماعی بزرگی است که هدفش ایجاد جریانی است که در مسیر هدف معینی حرکت کند. نهضت علمی در نظر آیت‌الله خامنه‌ای تلاش‌های گسترده در مسیر تحول فرهنگ جامعه برای ایجاد حس خودباوری و عزت نفس است. خودباوری به این معنا که خودمان را در عرصه زندگی فردی و اجتماعی توانا و قادر به تولید و نوآوری به شمار بیاوریم (سبحانی، ۱۳۹۲: ۲۶۶). آیت‌الله خامنه‌ای در این باره چنین تبیینی دارند: «جنبش نرم‌افزاری، یعنی در زمینه علم، تولید علم و شکستن مرزهای علم، یک جنبش و یک حرکت عظیم به وجود بیاید... یعنی در معرفت علمی نشینید دست خود را دراز کنید تا دیگران بکارند و میوه‌چینی کنند و هر مقدار از میوه را که لازم نداشتند بیاورند در دست شما بگذارند» (خامنه‌ای، ۱۳۸۳/۱۰/۱۷).

دوم - نگاه اجتهادی در تولید علم: گرچه از نظر ایشان «ذخیره ارزشمند فقه اسلام بنا بر مکتب اهل بیت : یکی از پربارترین و گران‌مایه‌ترین موارث فرهنگ و تمدن اسلامی است» (خامنه‌ای، ۱۳۶۹/۱۱/۰۲)، اما نگاه اجتهادی در تولید فکر را به عرصه‌ای فراتر از فقه توسعه داده و تأکید دارند: «نگاه اجتهادی و عالمانه به عرصه‌های گوناگون، از علوم انسانی تا نظام تعلیم و تربیت رسمی و از اقتصاد و بانکداری تا تولید فنی و فن‌آوری، و از



رسانه‌های مدرن تا هنر و سینما و تا روابط بین‌الملل و غیره، همه از لوازم این تمدن‌سازی است» (خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۰۲/۰۹).

سوم - توأم‌سازی علم و اخلاق: براساس این ویژگی، علمی نافع برای حرکت تمدنی اسلامی است که بریده از اخلاق نباشد، از این‌رو، ایشان می‌فرماید: «ما می‌خواهیم علم با اخلاق پیش برود. دانشگاه همچنان که مرکز علم است، مرکز دین و معنویت هم باشد. متخرّج دانشگاه‌های کشور، مثل متخرّج حوزه‌های علمیه، دین‌دار بیرون بیاید» (خامنه‌ای، ۱۳۷۶/۰۶/۱۹).

۲. پرورش انسان

عنصر مهم دیگر برای تمدن‌سازی، پرورش انسان است. به نظر می‌رسد تعبیر پرورش انسان، بیشتر به ایجاد و تقویت خصلت‌های مورد نیاز در مجموعه انسان‌هایی ناظر است که قرار است یک حرکت تمدنی را شکل دهند. مهم‌ترین این خصلت‌ها و ویژگی‌ها را این‌گونه می‌توان برشمرد:

یکم - کار برای خدا: «اگر انسان راه خدا را پیدا کرد و یاد گرفت که چگونه کار را برای خدا انجام دهد، آن وقت می‌بینید که این عشق به کار، چه قدر کار را آسان خواهد کرد؛ تمدن اسلامی، این‌گونه به وجود آمد» (خامنه‌ای، ۱۳۷۳/۰۶/۲۹). به بیان دیگر، «ذکر خدا پشتوانه ثبات قدم است. بنابراین ذکر موجب می‌شود که ما بتوانیم در آن صراط مستقیم سلوک کنیم؛ پیش برویم. آن هدفی که ترسیم کردیم برای خودمان به‌عنوان مؤمن، به‌عنوان مسلمان، به‌عنوان پیرو یک مکتب مترقی، به‌عنوان کسانی که انگیزه داریم برای برپا داشتن این بنای رفیعی که خبر از شکوفایی تمدن اسلامی در آینده و در قرون آینده می‌دهد، احتیاج داریم به ذکر خدا تا بتوانیم در این جاده حرکت کنیم» (خامنه‌ای، ۱۳۸۶/۰۶/۳۱).

دوم - احیای روح زندگی علوی: «باید روح زندگی علوی - یعنی عدالت، تقوا، پارسایی، پاک‌دامنی، بی‌پروایی در راه خدا و میل و شوق به مجاهدت در راه خدا - را در خودمان زنده کنیم» (خامنه‌ای، ۱۳۸۳/۰۸/۰۶).

سوم - صبر و ایستادگی: آیت‌الله خامنه‌ای، صبر و ایستادگی را یکی از ویژگی‌های مهم برای ملتی معرفی می‌کند که در راه تمدن‌سازی گام بر می‌دارد: «ایستادگی و صبر و

۱. در برهه‌های زمانی مختلف (سال‌های ۷۶، ۸۰ و ۹۲) بر ویژگی صبر و استقامت تأکید شده است.

بصر و اعتماد به وعده «وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ» (حج: ۴۰) خواهد توانست این مسیر افتخار را تا رسیدن به قله تمدن اسلامی، در برابر امت اسلامی هموار کند» (خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۰۲/۰۹). البته این استقامت و صبوری، هم در هدف و هم در مسیر است. «استقامت، یعنی مسیر و جهت‌گیری را گم نکنیم و مرتب خطاها را اصلاح کنیم و از اینکه به ما بگویند خطا کرده‌اید، بدمان نیاید» (خامنه‌ای، ۱۳۸۰/۰۹/۲۱). بنابراین، «جوهر ایستادگی و مقاومت در یک ملت، جوهر نفیس و گران‌قدری است» (خامنه‌ای، ۱۳۷۶/۰۵/۲۹).

ب) الزامات عینی کارکردی

الزامات کارکردی در واقع تأمین‌کننده مظاهر و عینیت‌های تمدنی هستند. اگرچه به لحاظ جنس، این الزامات نقطه اشتراک تمدن‌ها شمرده می‌شوند، ولی از سوی دیگر، فصل‌ت‌های تمدن‌ها را نیز در همین الزامات باید جست. از این رو، برای این بخش از الزامات نیز، دو بخش الزامات سخت‌افزاری و الزامات نرم‌افزاری را می‌توان در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای مشاهده کرد. به بیان دیگر، «اگر پیشرفت همه‌جانبه را به معنای تمدن‌سازی نوین اسلامی بگیریم، تمدن نوین دو بخش دارد: یک بخش، بخش ابزار است؛ یک بخش دیگر، بخش متنی و اصلی و اساسی است. به هر دو بخش باید رسید» (خامنه‌ای، ۱۳۹۱/۰۷/۲۳). این دو بخش از الزامات تمدنی از منظر ایشان این گونه قابل تبیین است:

۱. نظام‌سازی و تعالی الگوی مدیریت

«بخش ابزاری [تمدن] عبارت است از همین ارزش‌هایی که ما امروز به عنوان پیشرفت کشور مطرح می‌کنیم: علم، اختراع، صنعت، سیاست، اقتصاد، اقتدار سیاسی و نظامی، اعتبار بین‌المللی، تبلیغ و ابزارهای تبلیغ؛ اینها همه بخش ابزاری تمدن است» (همان). نکته قابل توجه در این زمینه آن است که عینیت‌بخشی به این الزامات در گرو نظام‌سازی است؛ یعنی مظاهر تمدنی و بروز و ظهور بیرونی تمدن نوین اسلامی بی‌تردید از رهگذر طراحی و تأسیس نظام‌های اجتماعی اسلامی گوناگون مانند نظام سیاسی، نظام اقتصادی، ساختارهای رسانه‌ای و... خواهد بود. به گونه‌ای که حتی ایشان در تحلیل آینده انقلاب‌های عربی جریان‌بیداری اسلامی خطاب به سران این انقلاب‌ها چنین گفته‌اند: «مسئله اصلی شما، چگونگی نظام‌سازی، قانون‌نویسی و مدیریت کشور و انقلاب‌ها خواهد بود؛ این همان مسئله مهم تمدن‌سازی اسلامی مجدد در عصر جدید است» (خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۱۱/۱۴). کم‌توجهی به امر





نظام‌سازی، برای حرکت‌های تمدنی تهدیدی جدی به‌شمار می‌رود. «در همین کشورهای شمال آفریقا ما یک تجربه‌ای داریم مربوط به شصت - هفتاد سال پیش؛ اواسط قرن بیستم. در همین تونس انقلاب شد، نهضت شد، کسانی آمدند سر کار؛ در همین مصر انقلاب شد، کودتا شد، نهضت شد، کسانی آمدند سر کار - در جاهای دیگر هم همین طور - اما نتوانستند نظام‌سازی کنند؛ نظام‌سازی که نکردند، این موجب شد که نه فقط آن انقلاب‌ها از بین رفت، بلکه حتی آن کسانی که به نام آن انقلاب‌ها سر کار آمده بودند، خودشان از این رو به آن رو شدند، صد و هشتاد درجه جایشان را عوض کردند؛ خودشان هم خراب شدند» (خامنه‌ای، ۱۳۹۱/۰۹/۲۱).

از همین رو، ایشان در سال‌های اخیر، دستیابی به الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت را مطالبه جدی خود قرار داده‌اند: «طراحی الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت در واقع ارائه محصول انقلاب اسلامی و طراحی یک تمدن جدید و پیشرفته در همه عرصه‌ها بر مبنای تفکر و اندیشه اسلام است» (خامنه‌ای، ۱۳۹۱/۱۲/۱۴). به طبع این الگو، خاستگاه بازطراحی و تأسیس نظام‌ها و ساختارهای مدیریتی در آینده حرکت جمهوری اسلامی باید باشد. مطلب مهم در مسئله نظام‌سازی و مدیریت این است که این کار باید بر اساس ملاک و معیارهای اسلامی صورت پذیرد و «اگر ما این اشتباه را می‌کردیم و بکنیم که در مسئله حکومت و مدیریت و جامعه، ملاک و معیار اسلامی را فراموش کنیم و به سمت همان فرم‌های رایج دنیا برویم، معنای جامعه اسلامی از بین خواهد رفت و این نقطه تعیین‌کننده است» (خامنه‌ای، ۱۳۶۹/۰۴/۲۰).

۲. اصلاح سبک زندگی و رفتار اجتماعی (رسیدن به سلوک عملی مورد نظر اسلام)

«بخش حقیقی [تمدن] آن چیزهایی است که متن زندگی ما را تشکیل می‌دهد که همان سبک زندگی است. این، بخش حقیقی و اصلی تمدن است؛ مثل مسئله خانواده، سبک ازدواج، نوع مسکن، نوع لباس، الگوی مصرف، نوع خوراک، نوع آشپزی، تفریحات، مسئله خط، مسئله زبان، مسئله کسب و کار، رفتار ما در محل کار، رفتار ما در دانشگاه، رفتار ما در مدرسه، رفتار ما در فعالیت سیاسی، رفتار ما در ورزش، رفتار ما در رسانه‌ای که در اختیار ماست، رفتار ما با پدر و مادر، رفتار ما با همسر، رفتار ما با فرزند، رفتار ما با رئیس، رفتار ما با مرئوس، رفتار ما با پلیس، رفتار ما با مأمور دولت، سفرهای ما، نظافت و

طهارت ما، رفتار ما با دوست، رفتار ما با دشمن، رفتار ما با بیگانه؛ اینها آن بخش‌های اصلی تمدن است که متن زندگی انسان است. اینها متن زندگی است؛ این همان چیزی است که در اصطلاح اسلامی به آن می‌گویند: عقل معاش. می‌شود این بخش را به منزله بخش نرم‌افزاری تمدن به حساب آورد و آن بخش اول را، بخش‌های سخت‌افزاری به حساب آورد» (خامنه‌ای، ۱۳۹۱/۰۷/۲۳). مطلب مهم در خصوص بخش نرم‌افزاری تمدن این است که از نظر ایشان، مسئله سبک زندگی، عنصر تمایزبخش و تعالی‌بخش در حرکت تمدنی به‌شمار می‌آید؛ یعنی «اگر ما در این بخشی که متن زندگی است، پیشرفت نکنیم، همه پیشرفت‌هایی که در بخش اول کردیم، نمی‌تواند ما را رستگار کند؛ نمی‌تواند به ما امنیت و آرامش روانی ببخشد. هرچه ما در صنعت پیش برویم، هرچه اختراعات و اکتشافات زیاد شود، اگر این بخش را ما درست نکنیم، پیشرفت اسلامی به معنای حقیقی کلمه نکرده‌ایم. باید دنبال این بخش، زیاد کار کنیم؛ زیاد تلاش کنیم» (همان). بنابراین، اگرچه «ما از علم ترویج می‌کنیم، از صنعت ترویج می‌کنیم، از اختراع و نوآوری ترویج می‌کنیم، هر مبتکری و هر ابتکاری را با احترام تمام بر روی چشم می‌نشانیم - این به جای خود محفوظ - اما همان‌طور که گفتیم، اصل قضیه جای دیگر است؛ اصل قضیه، درست کردن سبک زندگی است، رفتار اجتماعی است، اخلاق عمومی است، فرهنگ زندگی است» (همان).

مطلب مهم دیگری که ایشان در تبیین موضوع سبک زندگی بدان اشاره کرده‌اند نقش سه حوزه دانشی فقه اسلامی، حقوق اسلامی و اخلاق اسلامی در اعتلای سبک زندگی است: «ما در فقه اسلامی و حقوق اسلامی زیاد کار کرده‌ایم؛ باید در اخلاق اسلامی و عقل عملی اسلامی هم یک کار پرحجم و باکیفیتی انجام دهیم - حوزه‌ها مسئولیت دارند، دانشوران مسئولیت دارند، محققان و پژوهشگران مسئولیت دارند، دانشگاه مسئولیت دارد - آن را مبنای برنامه‌ریزی مان قرار دهیم، آن را در آموزش‌های خودمان وارد کنیم؛ این چیزی است که امروز ما به آن احتیاج داریم و باید دنبال کنیم [برای] به‌دست آوردن و رسیدن به این بخش اساسی از تمدن [نوین اسلامی] که سلوک عملی است» (خامنه‌ای، ۱۳۹۱/۷/۲۳). اهمیت مسئله سبک زندگی در فرایند تمدن‌سازی از منظر آیت‌الله خامنه‌ای به قدری است که ایشان، اصلاح سبک زندگی را یک «جهاد» هم‌تراز جهاد نظامی هشت‌ساله توصیف کرده‌اند.



در یک نگاه کلی، مجموعه الزامات حرکت تمدنی جمهوری اسلامی ایران را براساس دیدگاه‌های آیت‌الله خامنه‌ای در نمودار زیر می‌توان ملاحظه کرد:



نمودار ۴ - الزامات حرکت تمدنی جمهوری اسلامی ایران

نتیجه‌گیری

در یک نگاه کلان، آرا و اندیشه‌های صاحب‌نظران و اندیشمندان حوزه مطالعات تمدن اسلامی را می‌توان ناظر به دو پرسش مهم چیرستی تمدن اسلامی و چگونگی دستیابی به تمدن اسلامی دانست که از زوایای مختلف (روشی و محتوایی) قابل بررسی هستند. از حیث روش‌شناسانه، شکل‌گیری و تکوین اندیشه تمدنی آیت‌الله خامنه‌ای را در رهگذر اتصال میان عرصه نظر و عمل با ویژگی‌های اختصاصی زیر می‌توان صورت‌بندی کرد:

الف) این اندیشه تمدنی، بر بستر تحلیل تاریخی تجربه تمدنی صدر اسلام و نیز تجربه تطور حضور تشیع در عرصه حکومت (مانند صفویه و مشروطه) در سده‌های اخیر نمایان گشته است.

ب) اندیشه ایشان از یک سو بر توان‌مندی‌های فقهی و فلسفی و از سوی دیگر مبتنی بر منصب‌های حکومتی ایشان شکل یافته است.

ج) این اندیشه تمدنی، در درون تجربه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران در عصر حاضر تکوین می‌یابد.



به لحاظ محتوایی، در نگاه آیت الله خامنه‌ای تمدن اسلامی غایت حرکت و چشم‌انداز مشترک امت اسلامی در سطح کلان و الگوی زندگی در جوامع اسلامی در سطح خرد است، ولی درباره چگونگی دستیابی به تمدن اسلامی، در نظریه ایشان که با سیر تکوین جمهوری اسلامی ایران گره خورده است، فرایندی قابل شناسایی است که در آن تشکیل نظام اسلامی، دولت اسلامی و جامعه اسلامی مقدمه دستیابی به تمدن نوین اسلامی دانسته می‌شود. گذار از هر مرحله به مرحله بعدی در واقع در گرو الزاماتی است که نگارنده آنها را تحت عناوین «الزامات تمهیدی» و «الزامات کارکردی» طبقه‌بندی کرده است. «تولید فکر و علم» و «پرورش نیروی انسانی» از لوازم مهم حرکت تمدنی هستند. همچنین «نظام‌سازی و تعالی الگوی مدیریت» و نیز «اصلاح و بهبود سبک زندگی و رفتار اجتماعی» دو الزام کارکردی هستند که دستیابی به تمدن اسلامی با آنها معنا می‌یابد. البته هر یک از این الزامات ویژگی‌های ارزشی و محتوایی مهمی دارند که در دیدگاه‌های ایشان بر آنها تأکید شده است. در پایان باید گفت براساس نظریه تمدنی آیت‌الله خامنه‌ای حرکت تکاملی جمهوری اسلامی ایران در گرو «رویکرد تمدنی» و محقق ساختن الزامات مهم و راهبردی پیش گفته است. از این رو، جا دارد مراکز و شخصیت‌های علمی و فکری کشور به بررسی و نقد این اندیشه‌ها و دیدگاه‌ها به‌عنوان یک مبحث علمی پرداخته و درباره چگونگی کاربست آن در امور مختلف نظام به پژوهش‌های کاربردی مبادرت ورزند.

۲۲۳



کتابنامه

۱. بهمنی، محمدرضا (۱۳۹۲)، «دین‌پژوهی (به‌مثابه مطالعه نسبت دین و زندگی) از منظر جریان‌های فکری ایران معاصر»، اسلام و مطالعات اجتماعی، ش ۲.
۲. پارسایان، حمید (۱۳۹۲)، «نظریه و فرهنگ»، راهبرد فرهنگ، ش ۲۳.
۳. جرادی، شیخ شفیق (۱۳۹۲)، «نگرش توحیدی و ارزش‌های تمدنی»، مجموعه مقالات اجتهاد و نوآوری فکری از دیدگاه آیت الله خامنه‌ای، تهران: انتشارات سروش.
۴. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۶۸/۱۲/۰۳)، بیانات در دیدار جمعی از ائمه جمعه کشورهای نامیبیا، موزامبیک، آفریقای جنوبی و لسوتو، در پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری به آدرس: www.leader.ir.
۵. _____ (۱۳۸۶)، درر الفوائد فی اجوبه القائد، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی.
۶. _____ (۱۳۹۰/۰۶/۲۶)، بیانات در اجلاس بین‌المللی بیداری اسلامی، در پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری به آدرس: www.leader.ir.
۷. _____ (۱۳۹۲/۰۲/۰۹)، بیانات در اجلاس جهانی علما و بیداری اسلامی، در پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری به آدرس: www.leader.ir.
۸. _____ (۱۳۹۰/۰۳/۱۴)، بیانات در بیست و دومین سالگرد امام خمینی؛ در پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری به آدرس: www.leader.ir.
۹. _____ (۱۳۷۶/۰۵/۲۹)، بیانات در دیدار جمعی از ایثارگران و خانواده‌های شهدا، در پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری به آدرس: www.leader.ir.
۱۰. _____ (۱۳۷۶/۰۶/۱۹)، بیانات در دیدار جمعی از پرستاران، در پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری به آدرس: www.leader.ir.
۱۱. _____ (۱۳۷۳/۰۸/۱۱)، بیانات در دیدار جمعی از دانش‌آموزان و دانشجویان، در پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری به آدرس: www.leader.ir.
۱۲. _____ (۱۳۸۴/۰۲/۱۹)، بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان استان کرمان، در پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری به آدرس: www.leader.ir.



۱۳. _____ (۱۳۸۳/۱۰/۱۷)، بیانات در دیدار جمعی از رؤسای دانشگاه‌ها، در پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری به آدرس: www.leader.ir.
۱۴. _____ (۱۳۷۳/۰۶/۲۹)، بیانات در دیدار جمعی از فرماندهان سپاه، در پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری به آدرس: www.leader.ir.
۱۵. _____ (۱۳۹۲/۰۲/۱۱)، بیانات در دیدار جمعی از مداحان، در پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری به آدرس: www.leader.ir.
۱۶. _____ (۱۳۸۳/۰۷/۰۵)، بیانات در دیدار جمعی از نخبگان علمی، در پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری به آدرس: www.leader.ir.
۱۷. _____ (۱۳۹۱/۰۷/۲۳)، بیانات در دیدار جوانان استان خراسان شمالی، در پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری به آدرس: www.leader.ir.
۱۸. _____ (۱۳۸۰/۰۲/۱۲)، بیانات در دیدار جوانان و فرهنگیان در مصالای رشت، در پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری به آدرس: www.leader.ir.
۱۹. _____ (۱۳۸۴/۰۶/۰۸)، بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت، در پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری به آدرس: www.leader.ir.
۲۰. _____ (۱۳۹۲/۰۶/۱۴)، بیانات در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری، در پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری به آدرس: www.leader.ir.
۲۱. _____ (۱۳۸۳/۰۶/۲۰)، بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در اجلاس بانک توسعه اسلامی، در پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری به آدرس: www.leader.ir.
۲۲. _____ (۱۳۶۹/۰۴/۲۰)، بیانات در دیدار کارگزاران نظام، در پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری به آدرس: www.leader.ir.
۲۳. _____ (۱۳۷۵/۱۱/۲۱)، بیانات در دیدار کارگزاران نظام، در پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری به آدرس: www.leader.ir.
۲۴. _____ (۱۳۷۶/۰۲/۰۶)، بیانات در دیدار کارگزاران نظام، در پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری به آدرس: www.leader.ir.
۲۵. _____ (۱۳۷۹/۰۹/۱۲)، بیانات در دیدار کارگزاران نظام، در پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری به آدرس: www.leader.ir.
۲۶. _____ (۱۳۸۰/۰۹/۲۱)، بیانات در دیدار کارگزاران نظام، در پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری به آدرس: www.leader.ir.





۲۷. _____ (۱۳۸۳/۰۸/۰۶)، بیانات در دیدار کارگزاران نظام، در پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری به آدرس: www.leader.ir.
۲۸. _____ (۱۳۸۶/۰۶/۳۱)، بیانات در دیدار کارگزاران نظام، در پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری به آدرس: www.leader.ir.
۲۹. _____ (۱۳۸۹/۱۰/۲۹)، بیانات در دیدار گروهی از فضایی حوزه علمیه قم، در پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری به آدرس: www.leader.ir.
۳۰. _____ (۱۳۸۵/۰۸/۲۰)، بیانات در دیدار مردم شاهرود، در پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری به آدرس: www.leader.ir.
۳۱. _____ (۱۳۸۵/۰۳/۲۵)، بیانات در دیدار مسئولان سازمان انرژی اتمی و کارشناسان هسته‌ای، در پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری به آدرس: www.leader.ir.
۳۲. _____ (۱۳۹۰/۰۴/۰۹)، بیانات در دیدار مسئولان نظام در روز عید مبعث، در پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری به آدرس: www.leader.ir.
۳۳. _____ (۱۳۸۵/۰۸/۱۹)، بیانات در دیدار نخبگان استان سمنان، در پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری به آدرس: www.leader.ir.
۳۴. _____ (۱۳۷۶/۰۲/۰۳)، بیانات در دیدار نیروهای حاضر در مانور طریق‌القدس، در پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری به آدرس: www.leader.ir.
۳۵. _____ (۱۳۹۲/۱۲/۲۰)، بیانات در جلسه تبیین سیاست‌های اقتصاد مقاومتی، در پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری به آدرس: www.leader.ir.
۳۶. _____ (۱۳۷۹/۰۷/۱۴)، بیانات در جمع اساتید، فضلا و طلاب حوزه علمیه قم در مدرسه فیضیه، در پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری به آدرس: www.leader.ir.
۳۷. _____ (۱۳۷۹/۰۹/۲۵)، بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران، در پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری به آدرس: www.leader.ir.
۳۸. _____ (۱۳۸۴/۰۵/۲۸)، بیانات در خطبه‌های نماز جمعه، در پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری به آدرس: www.leader.ir.
۳۹. _____ (۱۳۹۲/۰۲/۲۳)، بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران، در پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری به آدرس: www.leader.ir.
۴۰. _____ (۱۳۸۸/۰۴/۲۹)، بیانات در سالروز عید سعید مبعث، در پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری به آدرس: www.leader.ir.

۴۱. _____ (۱۳۹۴/۰۳/۱۴)، بیانات در مراسم بیست و ششمین سالروز رحلت امام خمینی؛ در پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری به آدرس: www.leader.ir.
۴۲. _____ (۱۳۹۱/۰۹/۲۱)، در دیدار شرکت‌کنندگان اجلاس جهانی اساتید دانشگاه‌های جهان اسلام و بیداری اسلامی، در پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری به آدرس: www.leader.ir.
۴۳. _____ (۱۳۹۱/۱۲/۱۴)، دیدار اعضای شورای عالی مرکز طراحی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت با رهبر انقلاب، در پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری به آدرس: www.leader.ir.
۴۴. _____ (۱۳۸۱/۱۱/۱۶)، پاسخ به نامه جمعی از دانش‌آموختگان و پژوهشگران حوزه علمیه در مورد کرسی‌های نظریه‌پردازی، در پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری به آدرس: www.leader.ir.
۴۵. _____ (۱۳۸۷/۰۹/۱۷)، پیام به کنگره عظیم حج، در پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری به آدرس: www.leader.ir.
۴۶. _____ (۱۳۷۳/۰۱/۰۱)، پیام به مناسبت حلول سال ۱۳۷۳، در پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری به آدرس: www.leader.ir.
۴۷. _____ (۱۳۶۹/۱۱/۰۲)، حکم به حجت‌الاسلام هاشمی در رابطه با تشکیل مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی، در پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری به آدرس: www.leader.ir.
۴۸. _____ (۱۳۹۰/۱۱/۱۴)، خطبه‌های نماز جمعه تهران، به همراه ترجمه خطبه عربی، در پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری به آدرس: www.leader.ir.
۴۹. _____ (۱۳۷۶/۱۱/۱۴)، گفت‌و شنود صمیمانه رهبر معظم انقلاب اسلامی با گروهی از جوانان و نوجوانان، در پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری به آدرس: www.leader.ir.
۵۰. سبحانی، محمدتقی (۱۳۹۲)، «نهضت علمی در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای»، مجموعه مقالات اجتهاد و نوآوری از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای، تهران: انتشارات سروش.
۵۱. مشکینی، علی (۱۳۷۳)، مصاحبه با آیت‌الله مشکینی، مجله حضور، زمستان ۱۳۷۳، ش ۹.
۵۲. واعظی، احمد (۱۳۹۲)، «عدالت اجتماعی در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای»، مجموعه مقالات اجتهاد و نوآوری فکری از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای، تهران: انتشارات سروش.

